

کارگر

۲۰ صفحه

نمط ۲۵ سال

تربیون آزاد مردم زحمتکش

شماره ۴ سال اول، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ سردبیر: بهجت زهرانی



حلق عرب پیامی جنید

ترور آیت الله مطهری، بک عمل ضد انقلابی

یازدهم اردیبهشت ۱۶ اردیبهشت ماه
از طرف هیئت اجرائیه حزب کارگر - ایران
سوسیالیست منتشر شد -

ترور آیت الله مطهری عملی است علیه
انقلاب که طبعاً مانع زحمتکشان صورت گرفت
و نتیجه ای عیالاب مانع آن بیار می آورد
اعمال تروریستی این دست، به همه
نیروهای ضد انقلاب فرصت می دهد تا در
محیطی آشفته و پر از ابواب علیه مانع مردم
زحمتکش و سازمانهای کارگری مسلح قوا کنند
کارگران و زحمتکشان ایران، مسئولین
نیازمند فضای سیاسی آزاد و دموکراتیکس
هستند تا بتوانند نیروی خود را مشخص
کند - بر جریان حقوق اقتصادی، اجتماعی
و سیاسی که میراث رژیم سابق راسته
امپریالیسم است و در نظام سرمایه داری
کمیونی تشدید می شود، فائق آید -
هر گونه تشکی که در این جریان سیاسی
وسیع بوده ای ایجاد شود، تنها می تواند
مورد استفاده نیروهای ضد انقلاب قرار
گیرد -

حزب کارگران سوسیالیست، با تکیه
بر سنن مارکسیسم انقلابی، هر نوع ترسور
انفرادی را طرد کرده، آنها مانع در راه
مبارزه آگاهانه طبقه کارگر و کلبه ستم‌دیدگان
جبهت سوسیالیسم تلقی می کند - ضمن تأکید
این موضع تاریخی، تأسف خود را از ترسور
آیت الله مطهری ابراز می کنیم -

هیئت اجرائیه
حزب کارگران سوسیالیست

حزب انقلابی

و

نقش آن در مبارزه برای سوسیالیسم

صفحه ۱۰

موضوع مقاله

رژیم سرمایه داران قادر به حل مسائل اساسی نیست

کارگران و زحمتکشان برنامه عمل خود را پیش گذاریم

امپریالیسم آمریکا، راه را برای تحقیق
خواست‌های برحق طبقه مردم بسته شده
و زحمتکشان باز کرده، نشان می دهد که
طبقه سرمایه دار حاکم، حکومت آنها و
سیاستمداران آنها، تنها برنامه فلاکت
بیشتر و ویرانی بیشتر را ارائه می دهند -
از نقطه نظر سرمایه داران و حکومتشان
رسالت انقلاب با بقدرت رسیدن آنها به
بازمان رسیده است - در نتیجه طبقه
طبقه در حقیقت ۲

نه تنها نظاهرات روز اول ماه را بعمل
سیاسی مستقل از طبقه حاکم، کارگران ایران
و حکومت آنها تبدیل کرده - بلکه در
شکل قطعیانه در ماده ای که به تصویب
رسیده - برنامه ای دیگر برای انقلاب
ایران ارائه کرده - برنامه ای سرافرا
مقاومت با برنامه طبقه حاکم -
چندین هفته تجربه عملی پس از
تمام سپهر ماه که با راه هم توری شدن
سلطنت حسین پهلوی و دارود حکومت

نظاهرات روز اول ماه به مصداق
با ۱۱ اردیبهشت، قدس بزرگ در روز
پیشرو زحمتکشان ایران بود - صد هাজার
نفر از مردم زحمتکش بر تبلیغات سخنگو
بان حکومت و راه بود و شور و هیجان
زنده دست زد کوبید - حاضر نشدند که
روز جهانی کارگر را به روز بزرگ شست
حکومت سرمایه داری - حکومتی که قدس
در راه منافع زحمتکشان برده شست
نزدیک کنند - کارگران و زحمتکشان ایران



کارگران و زحمتکشان برنامۀ عمل خود را پیش گذاریم

و زحمتکشان ایران برای پیشبرد انقلاب و فاتح آمدن بر چمران کنونی عرضه کرده اند. پیش نهادن چنین خواسته هائی از طرف کارگران مبارز و بیخ ده ها هزار نفری که در روز کارگر بدور این خواسته ها صورت گرفته، جوش و خروش که در سایر بخش های جامعه صورت می گیرد. تظاهرات اخیر طبقه عرب، همه گواه بارزی است بر اینکه طبقه حاکم، مقامات حکومتی و سپاه به داران و تئودستان، انقلاب دارد رفته می کشد و پیش می تازد. و همراه با آن نینسروهای تروی انقلاب نیز رشد می کنند و جدال طبقاتی تشدید می شود. تفسیر شدن جامعه در امتداد خطوط طبقاتی گسترش می یابد. در یک سو سرمایه داران استاده اند و حکومت کنونی که حافظ منافع آنانست، در سوی دیگر کارگران پرچم مبارزه و بیخ کلیه منافع سرمایه داران است. طبقه حاکم قادر به برآورده کردن خواسته های آرزوی خلق های ساده به نیست و می خواهد همان سنگسری ملی در بیان شکست پهلوی را حفظ کند و پاسخ خواسته طبقاتی خلق های تحت شتم و بیستابان فقیر را با گلوله می دهد. در مقابل بیگاری، گران و چمران اقتصادی، حزب وام های خود را به سرمایه داران افزایش می دهد. در اقتصاد، اجتنابسی و سیاسی عمیق می شود و دست نظر ولایت برای تنگ شدن و زحمتکشان گسترده می شود. در مقابل خواسته های آرزوی طبقه تنها برنامه هیت حاکم سرکوب، دموکراسی، ایجاد خلفان و حیل و ایجاب است. تنها برنامه طبقه کارگر و کسری از بدایش محبوس دموکراسی است که در آن توده عظیم مسروم بیرونی مسائل خود به بحث بپوشند و برای خود راه حل ارائه کنند. طبقه حاکم می کشد از هر موقعیتی برای ایجاد حیل و ایجاب استفاده می کند. و بدنه تشکیل مجلس مؤسسان را برین به تعویق می اندازد و دموکراسی را در تمام سطوح از راه بورژوازیون تا کف کارخانه ها نقض می کند. کارگران در تقاضای شورای هماهنگی بورژوازی اول ماه، در مقابل این برنامه حکومت سرمایه داری برنامۀ مغایرین ارائه کرده اند. برنامه ای که می تواند راه را برای حل چمران کنونی هموار کند. ملی کردن کارخانه ها، بانکها، مؤسسات بیمه، شرکت های معدن و زمین های سرمایه داران خارجی و شرکای داخلی، لغو کلیه ترادف های اسارت بار، اخراج کلیه کارکنان امپریالیستی، دفاع از حقوق ملی خلق های ایران، معادله زمین های مالکان و سرمایه داران بزرگ و وابسته به دیستار و تشکیل مجلس مؤسسان، حقوق مساوی برای کار مساوی برای زنان و مردان، آسایش در دسترسه ها، مناسبات از بدیهیت هساند اینها هستند بخشی از برنامه ای که کارگران

مطلقات خسر، منتقل گشتن قدرت از دست طبقات صاحب مال بدست طبقات زحمتکش نه از طریق مبارزات پراکنده و هرج و مرجان زده از بخش های جامعه، بلکه تنها توسط فصل آگاه اکثریت عظیم جامعه میسر است. مبارزه امروز تنها یک شعار دارد: جنب و منقادند ما خنکین اکثریت جامعه و ارائه یک برنامه عمل صحیح و روشن. برنامه عمل برای بنگاران، برای زحمتکشان، برای ملیت های ستمدیده، برای زنان و جوانان، کارکرد سرمایه داری هر روز چنین برنامه ای را تعدیل خواهد کرد و چابکس برنامه ای را اکثریت عظیم توده مردم را بسد و خواسته های شخصی منبج خواهد کرد. هیت حاکم کنونی که بدین مبارزه، بدون زهدت و شدت قدرت رسیده است، بیخس، از هر فرضی برای تحریک توده مردم بسود می جوید تا در فرضی مناسب با مردم انقلابی تعصیب حساب بکند. طبقه حاکم، گروه های آوازش را برای تخریب جشاست، برای برهم زدن اتحاد ملی ها، برای حمله به نشریات، برای حمله به زنان و طبقات بیخ می کند تا خود عموس را بخلیان آورد. در دراز مدت توده دست از امید شسته ای از مسروم زحمتکش را به عصیان و قیامت تدارک نشده، خویش و آفته می براند و از آن کند و با سرکوب گویی آنفشان ندهد که از این امر بیخوین چند کسانی هستند و صاحب خانه کینست. در جریان تظاهرات ماه، هشتادیکه گروه های آواش قصد تخریب تظاهرات کرده بودند. برده قیظ چشم سبزی از کارگران را گرفته بود. این برنامه ای است که در سطح توده ای طبقه حاکم تدارک می بیند. زحمتکشان و هیت حاکم همچنین تلاش کرده که حادثه خور آید الله مطهری را که هر جریان سیاسی شناخته شده ای آنرا بیخون طلی شد انقلابی محکوم کند، به واقعه ای برای سرکوب دموکراسی تبدیل کند. سوسیالیست ها مخالفین سرخست تئوری انفرادی هستند و چنین انقلابی را مانعی در راه آگاهی توده عظیم می دانند. سوسیالیست ها نیروی تحول اجتماعی را نه در طبانیجه و اسلحه بلکه در بد قدرت عمل میلیون لوده عظیم می بینند. این واقعه را انقلاب ایران تاکنون به واقع ترین وجهی نشان داده است.

مستقل و به شکل های کارگری حمله کنند. زحمتکشان حکومت و هیت حاکم نیز تسلط تلافی خود را بکار برونه تا واقعه تاخیر آید الله مطهری را به موقعیتی هموار آید. برای بدنام ساختن سوسیالیسم و حمله به کلیه زحمتکشان و هرکس که خواستار مبارز است، تبدیل کنند. گوش بیسی بکار رفتن سوسیالیسم فراتر با سرکوبی به هدف لغوه خود. هیچ یک از این برجست ها به سوسیالیسم نمی رسد. سوسیالیست ها بزرگترین مدافعین دموکراسی و همه آزادی های سیاسی و داری هستند. همین جهت سوسیالیستها بزرگترین چارین آزادی به ذهن نیز هستند. سرمایه داران که می خواهند بنام مذهب سوسیالیسم را سرکوب کنند در حقیقت می خواهند حسن حقایق فقی و عقیده را بگری را نیز خنک سوسیالیست ها پای بند آن هستند از جنبه توده مردم پنهان کنند و آن اینکه چرخ های جامعه بدست کارگران و زحمتکشان می گردد. امور کشور نیز باید بدست کارگران و زحمتکشان بگردد. هیت حاکم در شرایط امروز نمی تواند چنین واقعاتی را تحمل کند، نمی تواند تحمل کند که سوسیالیست ها آزادانه راه حل های خود را به بحث بگذارند. نمی تواند تحمل کند که توده عظیم کارگر و زحمتکشان طرفین مجلس مؤسسان مسائل و خواسته های خود را بحث کنند و تصمیم بگیرند. هیت حاکم تنها یک برنامه دارد: قهر و سرکوب اموز که در اثر قیام، دستگاه های سرکوب پلیس، ارتش و ژاندارمری در هم ریخته است. سینه ازان سرمایه داری انگیز به سبب نیروهای دست راستی، گروه های ایوبانی دست زده اند. تحریک می کنند و برای سرکوب تدارک می بینند. اموز این گروه ها را بر تخریب جشاست و بیم زدن راه پیشانی بسج می کنند. تظاهرات "مرگ برده است" برای ماندن است. اما هدف نهائی اجسرمه های آواش این حمله به کارگران است. هم اکنون کارگران دست که سرمایه داران تروتمند به اجبر کردن دست های چانوک هستند زده اند تا کارگران را وام و آرام کنند. شوه های کارگران در برابر این حصال روشن است، شنگل و اتحاد با کلیه نیروها طرفدار دموکراسی. هیت حاکم برای تعصیب سوسیالیسم تدارک می بیند. راه خفیه با تحریکات حاکم ارائه برنامه عمل و عمل سیاسی وسیع توده ای است. تظاهرات اول ماه به پیش بخش چنین چشم اندازی بود.

به حزب کارگران سوسیالیست پیوندید!

توده یک بیمه باه از قیام پیروزند. چشم ماه می گذرد. هر روز که از عمر حکومت بازنگران و رهبری روحانیت می گذرد، برای اکثریت هرچه وسیعتر از زحمتکشان روشن می شود که این حکومت، حکومت آنان نیست. این حکومت کوچکترین قدمی در راه جوامع ملی نازهای آنان برنداشته و برنامه های آن در جهت تشدید انواع و اقسام تبعیضات و ستمهاست. زحمتکشان جامعه است. حزب دولت به انتقادات و چش و دستهای توده مردم از انقلاب صبر و شکیبائی و تحمل منقذات و پار ستم های گذشته بوده است، و هرکجا که توده مبارز عمل شروع به حل مشکلات بدست خود کرده اند، به سرکوب آنان دست زده است. برای حل مشکلات عظیم جامعه ما، به حکومت دیگری نیازست. حکومت کارگران و زحمتکشان و نه حکومت سرمایه داران و زمینداران. برای حرکت در این جهت سازماندهی مستقل خود کارگران و زحمتکشان لازم است. از تشکیل اتحاد بها و کمیته های مبارزه و شوراهای گرفته تنها احزاب سیاسی که واقعا در جهت مبارزات زحمتکشان گام بردارند. حزب ما در خدمت چنین مبارزاتی است. پیام ما دشوار نیست. اگر معتقد به هیچ حکومتی از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد، اگر نمی کنید سرزشته جامعه باید به دست اکثریت توده محروم تعیین کرد و مسائل اساسی جامعه تنها با شرکت مستقیم مردم و بدست کارگران و زحمتکشان قابل حل است. اگر طرفدار گسترش توده های دموکراسی هستید، حزب ما از مبارزات کارگزاران دهقانان، طبقات تحت ستم، زنان و جوانان برای کسب حقوق خود پشتیبانی می کند. اگر می خواهید بسازانده می مستقل شده بگان، ایجاد سند بهاها، کمیته های کارگران، سازمان و سوسیالیان مدد برسانید، اگر میخواهید برای جامعه انسانی فارغ از تبعیض و امتیازات مبارز کنید. به حزب کارگران سوسیالیست پیوندید. هرگز ریمان. در سراسر حزب کارگران سوسیالیست

در این شماره:

- 1 کارگران و زحمتکشان ایران با عمل خود را پیش گذاریم
- 2 تحلیل اخبار: افغانستان، کیتها، کوبا
- 3 چرا من و مردم تلویزیون پشت آتشکس حزب توده شد
- 4 خلق عرب بیای میزید
- 5 کارگران مبارز سخن می گویند
- 6 حزب انقلابی
- 7 درباره نقش واقعی تروتسکی

کارگر، نیمون آزاد مردم سنگلک، هیتش تهریه: حسین نفوی، حسن صبا، آذ وطنی، سعید عارفی، حمزه کاوسی، علی گشتان، وحید ناصر، پروین نفی. هفتدهای سوسیالیستی کارگر، نیمون آزاد مردم سنگلک، کارگران و زحمتکشان ایران، سوسیالیان، حسوزان و دانشجویان، زنان و ملیت های ستمدیده است. نشیه استاد مختلف تابهی جانب توجسه. قطعاتی از دیباچت سوسیالیسم انقلابی را نیز ارائه می کند. مقالات با اهدا، نظریات پیوندگان را از اموز می کشد و نظریات کارگر نیست. مقالات بدون ماه را بر نامه کارگرم انقلابی استوار هستند.

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی درباره فاجعه نقده



زودتر آنها به خانه های خودشان باز گردند حتی من دو سه روز قبل نامه به جماعت های مردم که پیوسته ترک ها و کردها را هرب و سب خانه های خودشان بازگردانند.

کارگر: در مورد ارتش شما اشاره کردید می خواستم ببینم، لایحه تیز حمله ای که ارتش در نقده کرد بطرف کوه بود؟

عزالدین حسینی: بطرف کوه ها بود. و به خاطر توجه به ترک ها، بلکه به خاطر اینکه جنگ را خنده تر کند و اختلاف را بیشتر راه بیندازد.

کارگر: اخیراً کمیته همبستگی ترک و کوردها در مازندران تشکیل شده است، عقیده شما درباره این کمیته چیست؟ راه موفقیت اینگونه کمیته ها را در چه می بینید؟

عزالدین حسینی: به عقیده من چون کوردها و ترک های مازندران در اثر بمباران و درگیری ها که برایشان پیدا شد تجربه شان بیشتر شد و حالا دارند با آموزش یا همبستگی مردمی می کنند و حالا حتی روزی که اختلاف شده به شدت، کردها و ترک ها با هم جمع شدند و این کمیته را ایجاد کردند و حالا کمال آرازش با هم زندگی می کنند، و امیدوارم این تحریکات تشکیلاتی خیلی وارد کند. آنچه آگاهی بیشتری دارند، یکی از روحانیان آنجا بنام آقای جبه که نماینده امام است، با آن ملائی که اهل سنتن است در هر دو کمیته تلاش کرده اند که سو، تفاهم برطرف بشود.

انجا صلح برقرار کند و از خونریزی جلوگیری کند. می خواستم سؤال کنم بطرف شما نقش واقعی ارتش در فاجعه نقده چه بوده است؟

عزالدین حسینی: به عقیده من ارتش هم یعنی نه همه ارتش، چون در ارتش هم اشخاصی هستند نیک و خیرخواه، در میان جاهدین و پاسداران هم فتنه پزیر، ولسی سلفاً جماعتی از ارتشیان و جماعتی از پاسداران قطعاً به طرفی را چابک نگرداند و حتی معلوم است که

تخوی که خودشان شنیده اند وجود آمد. من گفته هایم را که از هر دو طرف شنیده بودم آورده ام را نگاه می دانم. و اساساً این جنگ را جنگ خرد می بینم، می دانم چون در زیر پرتر گرفتن مردم، جنگ تا طلسم و خارج از فرهنگ انسانی است و من آنرا اساساً محکوم می کنم. ولی متأسفانه وقتی که ارتش وارد جریان شد و پاسداران انقلاب و مجاهدین آمدند، جملاتی از آنها جنگ را دامن زدند و اختلاف را شدیدتر کردند. با آنکه جبهاتی از پاسداران انقلاب و کمیته های که از شهران آمده بودند، حسن نیت نشان دادند و واقعا آنچه در خور انسانیت بود کردند. ولی جبهاتی از پاسداران که آنها را بنام مجاهدین می خوانم واقعا کسار هائی کردند که نمی باید می کردند، آنها اختلاف را زیاد تیز کردند، خانه ها را آتش زدند و اساساً تمام ملت کرد و کسانیکه از دو طرف یعنی ملت های کورده و آذربایجان آگاه هستند، این جنگ را محکوم می کنند و این جنگ را غارتن سوز و میله های می دهند که عامل ارتجاع می خواست توسط آن مان کرد و ترک فتنه بیندازد. ولسی شما خوشبینی می کرد و ترک این آگاهی را دارند که آنچه مسائل سبب نشود که آنها درگیری پیدا بکنند و با خودشان را فراموشی بکنند.

کارگر: البته شما در صحبت های خودتان جواب سؤال اول مرا داده اید ولی می خواهم قسمت آخر سؤال اول را تکرار کنم و آن اینست که چرا سعی می شود که این جنگ را بعنوان جنگ می گرد و ترک معرفی کنند؟

عزالدین حسینی: همانطور که گفتیم عامل ارتجاع این جنگ را برپا داده است. در چنین موقعیتی که کرد حق خود تری می خواهد و شاید آذربایجانی همان حق را ادعا بکنند و من می دانم که آنها هم همان حق خود - مختاری را می خواهند. و آنها می توانند دست بدست هم بدهند و زودتر به حقیقت خودشان برسند. واضح است در چنین موقعیتی عوامل ارتجاع سعی می کنند مسان آنها اختلاف بیندازند، و بگویند ترک کرد و شیعه و سنی با هم در جنگند. و به این ترتیب سعی می دانم که آنها را از هم جدا کنند و کینه و بغض و حسادت را زیاد بیندازند و نگذارند هیچکدامشان به حق خود برسند.

کارگر: همانطور که اطلاع دارید دولت ادعا کرد که ارتش را به نقده آوردند لذا در

ولی متأسفانه گروهی که حزب دموکرات کردستان میبگند را اجرا کرد، بدون اینکه هیچ سوا نیش داشته باشد، و قصد هیچ برخوردی و درگیری نداشته باشد، عاملی که قتل خود تری را آماده کرده بود با شلیک چند گلوله جنگ را راه انداخت و آن حادثه را بوجود آورد. ما زیاد تلاش کردیم که هرچه زودتر آتش بس برقرار بشود. ولی عاملی که ناشناخته بود هر موقع آتش بس می شد درباره جنگ را از سر می گرفت. تا این فاجعه بود آن نخوی که خودتان شنیده اند وجود آمد.

کارگر: فاجعه نقده را رسانه های عمومی معمولاً تکرار و تفسیر شده و تحریف شده گزارش کرده اند. بخصوص نظر موازین کوردها در پیش منگمن نقده است. بدین چیست و پیش شما آمده ام تا نظر شما را بدانم و بگویم تا آنرا در سطح بین المللی و در سایر ایوان مخصوص در آذربایجان منگمن کنم. فاجعه نقده فاجعه ای غیر متوجه بود که تمام موازین انقلاب ایران را اول آفسوره کسره چه عواملی باعث شدند که چنین فاجعه ای بوجود آید؟ و چرا این فاجعه را بغلغسون جنگ کرد و ترک معرفی کرده اند؟

شیخ عزالدین حسینی: از اینکه قبول زحمت کردید و به اینجا آمدید بسیار ممنونم. سلفاً در این موقع حساس تاریخی که برقراران کرد و آذربایجانی در ایوان دارند به حقوق خودشان می رسند. باید تفاهم بیشتری داشته باشند و از هر سو تفاهم و برخوردی برقرار بکنند. ولی متأسفانه به عقیده من عامل ارتجاع و عاقلی که می خواهد غلبه یاندارد و حکومت کند. در غربت سایر ایوان این عامل ارتجاع و ضد انقلابی می خواهد اختلاف در میان مردم بوجود آید، چنانکه در کرد، در سنندج و در نطنز و ... و حالا تصور می شود که در مروان می خواهند بوجود آورند.

حادثه نقده استیوارترین نوع این حوادث بود. چون حالهاست مراد آن کرد و شرکت در آذربایجان و مخصوصاً در آن شهرها کسی که کرد و ترک با هم تعلق هستند. با کمال آرازش با هم زندگی می کنند. آنها توحشی نداشته اند و این شیعه است. این سنی است و این ترک است و این کرد است. ولسی از اوائل فوریه بن این موضوع دامن زده شد که بین مردم ترک و کرد نقده تضاد می جویند. آینه در مخالفت داشته و عاقل ارتجاعی محلی، در خصوص کمیته ها و کمیته ایومسه در آنجا در مخالفت با هم تعلق ارتجاعی محلی، ترک ها را مسلح می کردند و آن ها را از کوردها می ترساندند. و گاه یورپی بگر بگر فشار می کردند و سنگینی می کردند. ما زیاد تلاش کردیم که هیچ برخوردی پیش نیاید.



شهر نقده پس از ورود پاسداران و ارتش

حادثه ای در آنجا پیش نیاید و ما از آنها بسیار ممنونیم.

کارگر: راه جلوگیری نقده های آینده در چه می بینید؟ زمینگنان آراء بخوانان ایران چگونه می تواند در این راه مؤثر باشد؟

عزالدین حسینی: من عقیده دارم که حاضر آگاه و روشنگر، مقصود از حاضر آگاه فقط در سجات و احزاب مختلف نیست، بلکه آنها ای که واقعیت را درک می کنند و دلشان به حال خودشان و ملت ایران حس می رسد و تعصبانند هم شان زیاد نیست و کمیته نیستند. آنها باید پیوند جان مردم و برای مردم سخنرانی کنند و مردم را آگاه کنند و بین کردها و ترکها، مقصود از حاضر آگاه نگاریم بین ما اختلاف پیدا کند.

حالا انگار را کوردم. و در نظر ترک و زعفران کرد رفتن بودند اشرف مازندران و آنجا برای کردها و ترک ها سخنرانی کرده بودند. حالا ما جملاتی را ترستاده ام به اطراف نقده که برای مردم توضیح بدهند که این جنگ، جنگ بین کردها و ترک نیست، ما انگار را ادعا می دهیم و از برادران آذربایجانی هم همین نظر را داریم. تنها راه اینست که عناصر خشن دور هم جمع شوند و مردم را آگاه کنند.

کارگر: لطفاً قدری بیشتر توضیح بدهید

بندت نفر که گفته شده اند تیز به مرستان خورند و این نشان می دهد که از همکاریها آنها را گفته اند. و کسانی آمدند و لباسی کردی بپوشیدند و عکس برای تانک ها زدند و روی آن نوشته حزب دموکرات کردستان، و وقتی مردم در پیشان جمع شدند، به آنها شلیک کردند. و تمام کردها را از نقده بیرون ریختند.

ولی در همان وقتی که کرد و ترک بیستان با هم می جنگند جملاتی بودند که بسیاری دیگر در لوزی می کردند. کردها ترک ها را بیایم می دانند و نجابت می دانند و بالعکس حتی در یک آبادی که تانک ها به آنها آمدند، کرد و ترک هر دو آبادی را تخلیه کردند و گفتند ما نمی خواهیم درباره درگیری پیدا کنیم و یک بگر را بکشیم. در سطح کسی میان ترک و کرد دشمنی نیست.

کارگر: اکنون وضع نقده و روستاهای اطراف آن و وضع اوارگان به چه صورت است؟

عزالدین حسینی: جمع اوارگان اینها به حدی است که قسمتی در اینجا می ماند، قسمتی در آشوبه و قسمتی در آبادی های اطراف نقده هستند. و آنچه فقط بوسیله گت های مردم می دانند به زندگی خودشان ادامه دهند. باید تلاش کنیم که هر چه

که بعقیده شما چگونه می‌توان نقشه‌های نظامی ایشان را خنثی نمود و همبستگی میسران و دولت ستم‌پیشه آذربایجان را کردار مستحکم تر نمود؟

عزت‌الدین حسینی: بعقیده من راه دیگری که وجود دارد از طریق نشریات است. باید جلوی شایعات را گرفت و هرگز نباید اجازه برگزاری کرد افشاکسری بکنیم. با نشریه، سالی روزنامه و با تبلیغات می‌توانیم با یکدیگر با یکدیگر دست داشته باشیم و نه عناصر مترقی رشته‌کار را در دست داشته باشیم. در روز اول گیت‌ها را از عناصر مترقی تشکیل می‌دهند این فاجعه بوضوح نمی‌آید.

کارگر: خبرهایی در گوشه و کنار راجع به میروان شنیده می‌شود و این نگرانی بوضوح دارد که واقعاً تاگوارا در میروان رخ دهد. شما چه خبرهایی می‌بینید در مورد این مسئله و اصولاً اوضاع میروان دارید؟

عزت‌الدین حسینی: در میروان گوسوسا جانشین هستند که اشخاصی مترقی و روشنگر هستند. اینها کمیته‌ای بنام جمعیت احیاء



صحنه‌ای از محله گره نشین خنده پس از گذشتن و آتش‌سوزی

کرده اند. این جمعیت‌ها در سراسر کرده‌ستان وجود دارند. از طرفی عناصر مترقی

ند و از کینه فلول‌ها هم در میروان هستند که با این جمعیت که میان گوسوسا و میروان برای آنها تبلیغات می‌کنند و آنها را آگاه می‌کنند. این عناصر ارتجاع با جمعیت مخالفند می‌کنند. همیشه هم همینطور است که بین عناصر مترقی و ارتجاع در درگیری بوضوح می‌آید چون تضاد منافع دارند.

بعقیده من وضع میروان هم همین است یعنی بین عناصر مترقی و فرستادگان و عناصر مترقی که دارند به نفع مردم کار می‌کنند درگیری هست. و گویا همه از این تضاد است و فلول‌ها آمده‌اند دور میروان را گرفته‌اند و می‌گویند باید آنها را که "کمیونس‌ت" هستند بزنند. آنها همیشه این‌گونه را به رخ مردم می‌کنند. هرگز چیزی نگفت می‌گویند کمیونس‌ت است. می‌شود اشخاص مردم‌دوست یا ضد و مستحکم را دوست داشته باشند و بلیغ آنان کار نکنند و کمیونس‌ت هم نباشند. ولی آنها بنام اینکه در میروان کمیونس‌ت هستند می‌گویند باید آنها را از زمین ببرد. من ناامین حد اطلاع دارم.

جرا مناظره تلویزیونی باعث آشفته‌گی حزب توده شد

فرماندهی

بین مردم ایران ندارد. چنان بوده که چنین توجه اختصاص ویژه‌ای را اجتناب می‌کنند است.

این برآشفته‌گی از این "گره‌های کوچک" یک دلیل دیگر هم دارد. حزب کارگزاران سوسیالیست نماینده از یونین مارکسیسم انقلابی در سطح جهانی است که ده‌ها سال با مبارزه خود علیه ایستالیسم حاکم دستاوردهای بشفوق اصیل بوده است و با ارائه برنامه انقلاب سیاسی در شوروی و سایر کشورهای از رژیم شاهنشاهی برای مبارزه علیه ایستالیسم را نشان داده است. هرگز بوروکراسی شوروی از بی‌دانشی و بی‌سوادگی این کارگران در ایران بسیار جاافتاد. علاوه بر تأثیر علیه انقلاب ایران بر مبارزه علیه بوروکراسی در شوروی، احزاب سوسیالیسم در ایران راه را برای رشد آن در شوروی نیز هموارتر خواهد ساخت. همین "گره‌های کوچک" از همین حالا، غاری شده است در پهلوی برزخ و شرکاء.

در خانه باید از "قیل" کپتانیسوا حزب توده ایران برسد از برای چه اصولاً طلب شکستگی در تلویزیون را می‌کنند؟ سیاست حزب توده در واقع پشتیبانی از سیاست‌های دولت کپتانیسوا است. در محاصره همین شماره می‌بینیم که در پاسخ به این سؤال که "آیا واقعاً معتقدید که این دولت متبذبه خواستهای مردم کارگران و روستاگران را برآورده سازد؟" می‌گوید "ما نمی‌خواهیم در اینجا وارد بحث ایدئولوژیک و طبقاتی بشویم. ما گوشش خواهیم کرد که در دولت کپتانیسوا دولت را راهمانی کنیم. این روش را پشتیبانی کنیم." ولی خود می‌گویند و حاکمان دولت خود دامن از تلویزیون به پشتیبانی از دولت متبذبه خود. شاید حسرت توده برنامه برای بهتر پشتیبانی کردن از دولت را می‌خواهد از تلویزیون تبلیغ کند. که البته این نیز حق است و با خواستار آنیم که حزب توده و کلیه سازمان‌های دیگر که شرکت در مباحث و برنامه‌های مردم تلویزیون را داشته باشند. البته روشن خواهد شد که "بناگر اصیل و واقعی سوسیالیسم" چیست؟ در همین شماره می‌بینیم خواننده "نخواهیم توانست کوچک ترین سازمانی از سوسیالیسم بماند. حتی گم شده "سوسیالیسم" را هم جز در همین مقاله در هیچ کجای دیگر نخواهد یافت تا چه رسد به دفاع از سوسیالیسم.

ملیونها نفر از بینندگان تلویزیونی مواجه شد و چه رقم اینکه حدود یک ماه از برگزاری آن می‌گذرد هنوز موضوع بحث بسیاری از آنان است. این مناظره از چند نظر حائز اهمیت بود. نخست اینکه این مناظره تجربه‌ای بود در آزادی، و چقدر بی‌وقف و جدا و همبستگی انقلابی که علیه وحشیانه ترین استبداد و خفگان آمریزمین رژیم به پیروزی رسیده است و ایند از ترین خواستهای نفوس ماسور و کسب حق آزادی بیان و اندیشه بوده است. نخست هدایت‌آئی تلف زاده مدیریت انتقادی سیاسی آن، بدل به ارگان ملال انگیزترین تبلیغات جهانی. گره‌گانه ترین ماسورین‌ها و عوام قویترین و بی‌خبرانه‌ترین بوده است. گذشته از آنی تلف زاده، مناظره آزاد تلویزیونی اولین باری است که در بوروکراسی بود که در این دستگاه سیاه ماسورین بدیدار گذشت. بسیاری نخستین بار میلیونها نفر از مردم ایستوران مشاهده کرد. چگونه می‌توان تلویزیون را به وسیله‌ای در خدمت انقلاب تبدیل کرد. این مناظره اثبات کرد چنانچه طبقات حاکم اجازه دهند عقاید سوسیالیستی به همسان اندازه عقاید آنان از انگار بخش و اشاعه برخوردار گردند. به چه سبب برنامه فصل سوسیالیست‌ها برای حل بحران کنونی خواهد توانست تبدیل به محور جذب و تشنگی توده‌های وسیعی گردد. این مناظره نشان داد که قدرتی عقاید هیئت حاکمه و طرفداران جمهوری اسلامی سنگی به این دارد که تا چه حد بتوانند یک توده فاسی برزخ و متنگ وحده باشند. اهمیت اساسی مناظره در همین تجربه تلویزیونی و ارائه سوسیالیسم بود. این مناظره یک پیروزی برای شخصی‌ها بود که از این تجربه حائز موفقیت بود. اساساً پیروزی بود برای مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم. این پیروزی راه را برای همه نیروهای طرفدار دموکراسی و سوسیالیسم باز کرد و این مطلب بخوبی در تفکرات عمیق وسیع مردم به مناظره روشن بود.

پس چرا حزب توده که خود را از "پیرو" های دموکرات و "بناگر اصیل و واقعی سوسیالیسم" می‌داند بجای خشک‌سودگی چنین خشک‌سودگی شده است؟ آیا این نفس‌نفس نتیجه یک‌گونه یعنی فرقه گریانه است؟ اگر چه گونه یعنی فرقه گریانه بود در این

دانشگاه ۴ شماره مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران. مقاله ای منتشر گشته است تحت عنوان "توتیکسیم همکار امپریالیسم" که در آن به گره‌اندگان را در تلویزیون و همه حزب کارگران سوسیالیست به خاطر برگزاری نخستین مناظره آزاد تلویزیونی بین بولشوی فراموش، نظریه پوزان چیسوری اسلامی، و با یک اهراس، مدافع سوسیالیسم انقلابی، سخت حمله شده است.

حزب توده معتقد است که مسئولین را در تلویزیون با برگزاری مناظره "به گره‌گانه کردن مردم دست زده اند" و توانسته‌اند که "سوسیالیسم را لکه دار کنند"، از تجلی و قدرت جادو "سوسیالیسم علمی جلوگیری کنند" و "به نفرت، سردرگمی و گمراهی در بیست سال مناظره حزب توده گام‌های اصلی حزب کارگران سوسیالیست است که به گفته ایشان "گره‌های کوچک" است که "همین چسبندگی پیش توسط معدودی در آمریکا تشکیل شده بود و چنانکه ریشه‌ای در بین مردم ایستوران ندارد" و مقادیر زیادی از نفی و افکار ناپسند همین حاکمیت تعیین حزب کارگران سوسیالیست کرده اند: "توتیکسیم جز تحریف و جعل و تلف در سوسیالیسم علمی، جز افکار و نفرت و در جنبش جهانی کارگری و کمیونس‌تسی و جنبش‌های آزادی بخش علمی و وظیفه" دیگری برای خود نمی‌شناسد". "فها لیست توتیکسیم‌ها چیزی جز خدمت به کارزار ضد کمیونس‌ت و ضد انقلاب امپریالیسم نیست" و از این قبیل ...

جهت رفع این ابهامات، حزب توده به مسئولین را در تلویزیون پیشنهاد کرده است که با ائتلاف "عقاید واقعی سوسیالیسم" که برای با یک رهبری نمایندگی آن را بپذیرد داشته "پیروزی" و "به حزب توده ایران که بناگر اصیل و واقعی سوسیالیسم فلسفی است همین ماست انگار دهند که سیاست خود را از راه بطلان وسیع مردم ایران توضیح دهد. ظاهر اینکه سبب بسیار جدی است و بطور حتم چنین است. هنگامیکه حزب توده مدافع جمهوری اسلامی، و جدا و همبستگی ایستالیسم سوسیالیسم حمله می‌کنند بطور حتم سبب بسیار مهمی مطرح شده است. بی‌شک این مناظره چه چیزی را اثبات کرد و چرا حزب توده را این چنین برآشفته کرده است؟ برگزاری مناظره با اشتغال می‌باشد

خلق عرب یا می خیزد



در منطقه مودک بزرگترین ثروت کشور - خلق عرب از همه چیز محروم است

مردم عرب ایران - یکی از ستم‌دهنده ترین بخشهای اجنبا و یا را تشکیل می دهند مردمی که در مناطقی زندگی می کنند که تولید کننده عظیمترین ثروت این مملکت است - در قسمت غیر انسانی ترین شرایط، فقر، عقب افتادگی، گرسنگی و عدم برقراری از هر گونه حق ملی و انسانی روزگار می گذرانند - و دقیقاً به همین دلیل اکنون که این خلق محروم به پا خاسته - یکی از انفجار آمیزترین و انقلابی ترین بخشهای مبارزه زحمتکشان ایران را برای رهایی از زندگی ننگینار گذشت تشکیل می دهد -

در زمان سلطنت شاه - محروم بودن خلق عرب از ابتدائی ترین حقوق انسانی - منویبه استفاده از زبان مادری و سرکوبی فرهنگی - با زندگی مادی و انسانی، عقب افتادگی اقتصادی و فقر ترکیب شده بود - با سرکوب شدن سلطنت پهلوی، خلق عرب ساکن جنوب ایران، مثل اینکین تهنکیس از یوز ووشان برده شده با شد - صدای خود را در اعتراض به زندگی برده وار گذشتگی بلند کردند - جوانان عرب که تصدیه تصدیه شده و با یوز نگردنی در وان شاه حتی محصور نگه داشته شده و اختیار یک اسم فارسی شده بودند تا بتوانند بلکه راهی به جمعهای بهتر و دوز فقر و تبعیض بیستند -

ستم ملی و ستم طبقاتی

خلق عرب اکثریت جمعیت کارگر و دهقان مناطق وسیعی از خوزستان را تشکیل می دهند: در اهواز و آبادان، چیتاز و تنی از جمعیت عرب است - در شهرهای دشت میمنه استان، خرمشهر و شادگان - ۵۰ تا ۱۰۰ درصد جمعیت را مردم عرب تشکیل می دهند - از ستم بدی که خلق عرب در دوره سلطنت پهلوی همین ستمی که حتی اشاره به چنین حقایقی نبود و گناه شناخته میشد و کج و قریب وجود خلق عرب - در ایران انگار می کردید - این ستم سرکوبی و تحقیر خلق محروم در دوره سلطنت پهلوی نیز بی دلیل نبود - اکثریت زحمتکشان کارگران و دهقانان فقیر در مناطق صنعتی و روستای جنوب را مردم عرب تشکیل می دهند - در آبادان کارگران عرب ۵۰ تا ۶۰ درصد کل کارگران هستند - کارخانه پتروشیمی و دیگر موسسات صنعتی بازرگانی بنده پتروپارسا، به دست کارگرانی می گردید که اکثریت آنها عرب هستند - و همین کارگران عرب هستند که رفته نشینان میان شاهپور و بنده و محصور را تشکیل می دهند - در ستم برترانه ای که از زمان شیخ شریعتی در مملکت پهلوی برای عرب زدائی - مناطق جنوب شیخ شده - چیزی جز راندن خلق عرب به پایین ترین دره های زندگی اقتصادی از طریق مهاجرت دادن و وسیع مردم نیز عرب به

جمعیت خوزستان را تشکیل می دهند - فقط پنج درصد تعدد کل دانشجویان و استادان دانشگاه اهواز را تشکیل می دهند و این رقم وحشتناکی است که تنها دلیل تبعیض طبقاتی این خلق محروم می باشد - همین حقایق است که به مبارزه خلق عرب برای آزادی، عمیقترین خدمت انقلابی را می دهد - اکثریت کارگرانی که مودک هستند اغلب ثروت این کشور هستند، نه تنها سالهای سال است بعنوان کارگر بورد استثمار و حشمانه قرار گرفته اند، بلکه بعنوان عرب - تبعیض سرکوبی دائمی حقوق ملی و فرهنگی استمرار داشته اند - بدون شک همین واقعیت است که کارگران عرب را بعنوان بیش از آن مبارزه همه زحمتکشان ایران به جلو خواهد راند -

خلق عرب یا می خیزد

در عین حال که به چنین ستم زاری می شد، طی چند ماهی که از سرکوبی سلطنت پهلوی می گذرد، مردم عرب از طریق انتشار نشریات مختلف، برگزاری میتینگ ها و تظاهرات و شکل سازمان های خود - صدای اعتراض شان را علیه تمام جنبه های ستم نیم قرن گذشته بلند کرده و خواهان پاک زندگی انسانی، مرفه، بدون از تبعیض ستم ملی و عسارتی از فقر و عقب افتادگی هستند - بدون شک مبارزه خلق کرد و ترکمن ها در درخواست های ملی خود در طی این سالها، در تحمیل و تسریع جنبش ملی مسروم عرب ایران بی تاثیر نبوده است - در طی سده های گذشته بین سازمان سیاسی و فرهنگی مختلف عرب ایجاد شده که از آن می توان چنین سیاسی خلق مسلمان عرب ایران * کارکنان فرهنگی خلق عرب ایران * کمیته مدارک گمرک خلق عرب ایران * و جنبه بین سازمان دیگر را نام برد - مردم عرب تاکنون از طریق تشکیل میتینگ ها و تظاهرات متعدد در شهرهای مختلف خوزستان، پارادای از خواست های خود را برای پایان دادن به ستم ملی و فلسف

تجزیه طلبی
توجهی برای سرکوبی خلق عرب
در مقابل خواست های بحق خلق عرب، حکومت آقای بازرگان نه تنها تاکنون هیچ پاسخ مثبتی نداده است، بلکه سازمان ها، تشکیلات و جنبه های مختلف خلق عرب تصدیت و حتی سرکوبی قرار گرفته است - همان موضوع "مبارزه علیه تجزیه طلبی" که در مدای شاه سابق چنان بود که توسط آن ستم عدای حق طلبانه علیه های ستم ده ایران خاموشی سرکوب شده - اکنون نیز بصورت توجهی برای انکار حقوق حقه ملی و انسانی خلق عرب در آمده است - خود معای ملتپسندی ستم ده ایران با این موضوع افشای کامل دارند - تحت همین لوا بود که انتشار مستند

و حکم اللہی المنصوب

و بعد نقل عام گنبد کاوسی را برای انداختن و اکنون که خلق عرب در مبارزه برای خواستهای خود بپا خاسته دو باره همین موضوع مبارزه با "عجزطلبی" را پیش کشیده اند -

شیخ محمد طاهر آل شیر خانی، یکی از رهبران ملی مذهبی عرب - اعطای رکنه یا مست که اگر اینگونه رفتار ادامه یابد از ایران خواهد رفت، در اعلامیه ای که شیخ آل شیر خانی پس از مدتی مصادف با ماه رگزه - امست، باره ای از دلایل تصمیم خود را بدینگونه شرح میدهد: "داخله بی وجه گنبدها ۱۰۰ حمله بعضی جوانان ناگه با منزل مردم که موجب وحشت و خواردها را فراهم می کند - دستگیری و تهمت زدن بی جهت و بدون مدرک پیوسته و تعطل در وقت در دادن حقوق شرفی و قانونی خلقها از جمله خلق عرب خوزستان"

مست امروز با مقتضات ایران است - پسند سائیتش از خاک ایران را ننگ ارم جسد است - هرگز نمیخواهد تجزیه طلبی کند پیوسته در خدمت خواهم گویید -

در هیچیک از خواست های خلق عرب تاکنون موضوع بنام "عجزه خانی" یا سائیتش از خاک ایران مطرح نشده است - پس ایستنی که تیمار شد به آن اشاره می کند - طبعه که کسی از آستین بیرون آمده؟ عجزطلبی به این سؤال را می توان از روشی که تاکنون مقامات دولتی در قبال مبارزه خلق عرب پیش گرفته اند استنباط کرد -

روزانه حمله به سازمان های - دستگیری و آزار و اذیت جوانان عرب توسط گنبد های امام که اغلب از قیومت تشکیل شده و اکثریت جمعیت عرب منطقه هیچگونه نفوذ و کنترلی بر آن ندارند - توقیف نفرین سادات سازمان های عرب - حمله به اجتماعات و تظاهرات مردم عرب و غیره و غیره ادامه دارد - و یکس العمل به این افعال غیره مگر آنست که -

در اوایل اردیبهشت ماه به تهران آمده بود، یکی از اعضا ۳۰ نفری خلق عرب که برای مذاکره با مقامات دولتی و مذهبی - در اوایل اردیبهشت ماه به تهران آمده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی، خواست گنبد خلقی مردم عرب را اینگونه بیان کرد: "ما خواهان آن هستیم که در جاهایی که اکثریت آن عرب است و در گذشته فرستادن نامیده می شده خود مختاری مردم عرب برصمیمت شناخته شود - رضایان که یک شویبیت پیوسته می خواست با تغییر نام فرستادن ما بهیت خلق عرب را غیر کند - کاری که با فرستادن کرد با کردستان و بلوچستان کرد و این ماهیبت شویبیت حکومت او را بر ملا می سازد"

خلق عرب چه می خواهند

پیش از ۵ سال مست و استعمار سلطنت پهلوی، مردم عرب ایران را به موقعیت انبعاث و درجه دوم کشور رانده است - ثروت بیگانه

عرب مختاری برای هر کس بلهچون است و تفسیر آن هم تقریباً یکی است و آنچه اختصار داشتن در منطقه است، در حال حاضر مردم عرب خوزستان در منطقه اختیاری در حاکمیت ملی آن منطقه ندارند و براد از این خود - مختاری، داشتن اختصار در امور سیاسی -

'عرب، عرب، تمام دنیا شهادت میدهد که من عربم'

روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ماه، تظاهراتی از طرف خلق عرب در محرمه (خرمشهر) برگزار شد - این تظاهرات که قریب به یکصد هزار نفر در آن شرکت داشتند، به منظور تأکید خواست های خلق عرب و اعتراض به بی احترامی شیخ محمد طاهر آل شیر خانی است و باید ریشی از بیایا شده بود - گروه های کثیری از میمادان (آبادان)، خواجهبیه (شادگان)، شادگان، و سایر شهرهای منطقه در تظاهرات شرکت کرده بودند -

"در زمان پهلوی خلق عرب در بدلت بود و با وضع ترین سخنان تحقیر می شد و هیچ حتی برای آنها قائل نبودند - ابتدا توسط من بعضی بین فارس و عرب لائل توسط من مگر اینکه به مطلوبیت خلق عرب واقف - من عرب را بخاطر عرب بودنش گفت نمی گفتم بلکه عرب را برای مطلوبیتش تکلم می گفتم - اگر یکت قاری با تکرار با کرد بسته به پیش می باید او را پاری خواهم کرد"

تظاهرات کنندگان که از محل دفتر سیاسی خلق عرب در محرمه شروع کرده و تا مسجد شیخ محمد طاهر آل شیر در دست به پیاده روی زدند، شعارهایی به نوبی میخواندند که برخی از آنها این قرار بود: "ما عربیم، ما عربیم، ما عرب زبان هستیم، تاریخ را مگر خود را از دست نخواهیم داد - عرب آزاده هستیم"، "فکریم - علم عربی است - ایمان رسم عربی - عربی - تمام دنیا گواهی میدهد - همچنین پلاکاردهای متعدد دی توسط سمیت حمل می شد که در آن به زاده پیسو و تلچون بخاطر به کار بردن کلمه "عرب زبان" به جای خلق عرب اعتراض شده بود -

این تظاهرات همچنین خواستار برصمیمت شناختن هیئت نمایندگی ۳۰ نفره خلق عرب بود که برای مذاکره به تهران آمده است - تظاهرات کنندگان همچنین خواست های سازمان داده گانه خلق عرب را تأکید کردند: (رجوع کنید به مقاله "خلق عرب میا میخسود" در همین شماره) -

در پایان مسیر راه پیدایی، شیخ محمد طاهر آل شیر، سخنرانی پرشوری در دفاع از حقوق خلق عرب ایراد کرد - او در سخنش از سخنان خود گفت:

تظاهرات ضد فراری در محرمه (خرمشهر) "عرب، عرب، تمام دنیا گواهی میدهد"



تظاهرات ضد فراری در محرمه (خرمشهر) "عرب، عرب، تمام دنیا گواهی میدهد"

کارگران نساجی اصفهان

صاحبه ای که در زیر به چاپ رسیده است. در تاریخ ۱۶ فوریه بین با یکی از کارگران کارخانه نساجی شهباز اصفهان صورت گرفته است. کارخانه شهباز کمترین مجتمع نساجی این شهر است. تا چند سال قبل متعلق به یکی از سرمایه داران اصفهان بنام هدا ایدان بود و از ۲۳ سال قبل تحت تسلط

سازمان مبارزات کارگران نساجی علیه رژیم شاه چگونگی بوده است؟ آیا کارگران در تظاهرات شرکت می کردند؟

ج: تا قبل از سقوط رژیم شاه حقیقتاً مطلق وجود داشت و هیچ کارگری به هیچ عنوان نمی توانست اعتراضی یا مطالبی داشته باشد. ولی برای برکناری رژیم شاه انفرادی بودند در بین کارگران که اعتراضات را دنبال می کردند و کارخانه را چند روز بعنوان عزای ملی تعطیل می کردند با بعنوان کشتی شادگان از زمای که انتصاب صنعت نفت شد شروع شد و بهیچ وجه براند. کارخانه های نساجی اصفهان با کمبود مواد سوخت و مواد اولیه روبرو شد و کارخانه از طرف خسود کارخانه عویبه و این تعطیل صنعت ریز بود انجمن

کارگران در طی این مدت در تظاهرات شرکت فعالانه داشتند البته در این بین تظاهرات تحت نام کارگران کارخانه شهباز با دسته جمعی شرکت نمی کردند. بلکه به صورت انفرادی

س: این از سقوط رژیم شاه چه اتفاقی رخ داد و کارگران بلافاصله بعد از آن چه خواست هایی داشتند و آیا به این خواست ها رسیدگی شد؟ چه اتفاقی در اصفهان کارخانه رخ داد؟

ج: پس از سقوط رژیم شاه کارگران خواست های داشتند که می خواستند آزاده آنه آنها را آزاد کنند. چونکه دولت اعلام کرده بود آزادی بیان، قلم و عقیده هستند کارگران

از هر طریق که بتوانند می توانستند خواست های خود را اعلام کنند. این خواست ها عبارت بود از افزایش حقوق و پرداخت منظمی که در زمان شاه به تصویر رسیده بود و فشار بود بعنوان معارج اباب و نهاب به کارگران پرداخت شود. حق مسکن که ماهیانه ۵۰۰ تومان بود. ۱۱۰۰ هفت ماه است که به کارگران پرداخت نشده است. یعنی از شهریور سال گذشته تا حالا را طلبکارند.

پس از سقوط رژیم شاه و روی کار آمدن دولت موقت خواستیم که بانک کیمت خودمان از بین کارگران تشکیل بدیم تا این کیمت را می باشد بین ما و کیمت امام که خواست های ما کارگران را با آن مطرح کند و حق ما دریافت شود. ولی متأسفانه افرادی که انتصاب شدند و بخل خودشان چهره های انقلابی دارند. دارند علیه کارگران فعالیت می کنند. برخی از افرادی که در این کیمت انتخاب شده اند. پنج کارگری و سرمایه دار گسار می کنند و هیچوقت خواستند اند خواست های کارگران را بگیرند. وقتی هم به آنها مراجعه می کنیم و خواست ها را می گوئیم. به مسا می گوئیم خبر کنید دولت پول ندارد و نتواند خواست های شما را برآورده کند. ولی این جوهری معارج سرسام آور زندگی کارگری نیست.

س: گفتید که حقوق کارگران و مسواک با پرداخت نشده و عقب افتاده. مسکن است بیشتر راجع به این موضوع توضیح بدهید. ج: در مورد مزایا و حقوق طلب افتاده. یکی همان با بعد توپان ماهیانه است که کتم هفت ماه است پرداخت نشده. سه ماه معارج اباب و نهاب رفت و آمدی که به کارگر تعلق می گرفته عقب افتاده. ۲ ماه از حقوق که کارگر کار کرده. یعنی ماه اسفند و فروردین عقب افتاده و پرداخت نشده و به هیچ عنوان برای این اقدام می شود. هرچقدر هم که سه به کارگری و با کیمت مراجعه می کنیم پول نیست و نمی توانیم پرداخت کنیم.

س: آیا کارگران کارخانه شهباز در حال تشکیل یک سند بنگای کارگری هستند یا نه؟ ج: کارگران خواستار یک سند بنگای واقعی هستند که از میان خودشان تشکیل دهند. سند بنگای که بتواند خواست هایشان را عملی کند. ولی متأسفانه باز همین افراد کیمت و طرفدارانشان که در میان کارگران اکثریت را دارا هستند. می گویند کسی که سند بنگا هم باید از طرف همین کیمت تعیین

شود و نمی گذارند که با یک انتخابات آزاد داشته باشیم. بطور مثال یک انتخابات داشتیم برای تعیین یک هیئت مدتی شرکت تعاونی. کسانی که نامشان از انتخابات بیرون آمد. کسانی بودند که دلخواه آقای کیمت بودند و نه آنهایی که کارگران انتخاب کرده بودند و آزاد بودند. کسانی را که رأی آورده بودند. طبقاً برکنار کرده و افراد دیگری را که خودشان می خواستند گذاشتند در رأس هیئت مدتی شرکت تعاونی.

کارگران می خواهند که یک سند بنگای واقعی تشکیل بدیم ولی کیمت تحت تسلط مذهب جلوی این کار را می گیرند. کارگران هم کیمت را خیلی می خواهند چون کیمت واقعی می تواند رسوله ای برای کسب خواست های کارگران از دولت باشد. ولی متأسفانه افراد کیمت هیچ فعالیتی برای کارگران نکرده اند. س: اینطور که به نظر می رسد کارگران توپم دارند که رهبری کیمت می تواند خواست های آنها را برآورده کند ولی در واقع اینطور نیست. شما چشم انداز مبارزات کارگران نساجی را بطور کلی و کارگران نساجی شهباز را چگونه می بینید؟

ج: این سلم است که کارگران به مسرور زبان همین که چند روزی بگذرد. چند هفته ای بگذرد و کارگران ببینند که نه این کیمت و نه این دولت هیچ اقدامی برای آنها نکرده به مسرور زبان، خودشان اقدام خواهند کرد. یعنی خود کارگر وقتی که اعتمادش از رهبری فعلی کیمت و دولت سلب شد. در مسرور چاره جویی برخواهد آمد چه دنبال راه عوض خواهد رفت و آن راه صحیح به دست خود کارگر ایجاد می شود.

س: در خود کارخانه وضع چگونه است؟ آیا این امکان وجود دارد که کارگران بتوانند آزادی اعلام عقایدشان را بازگو کنند و حتی به مخالفت با کیمت بپردازند؟ یا اینکه جلوی این کار بطریق مختلف گرفته می شود؟

ج: درباره آبراز عقاید و بیان خواست های که خود کارگران دارند. اکنون به هیچ عنوان حق اعتراض و آبراز عقیده وجود ندارد. و جلوی آبراز عقاید توسط کیمت و افرادشان گرفته می شود. به شکایات رسیدگی نمی شود. اگر کسی اعتراضی یا شکایتی داشته باشد باید به کیمت گفته شود. ولی این اعتراضی از اعضای کیمت فزونی می یابد و به هیچ عنوان اعتراضی و آبراز عقیده در کار نیست. متأسفانه یک عدد از افراد کیمت هستند که مأمورند مانع

بازار کارگران و به آنها تبعیت هائی از قبل ضد انقلابی و کمونیست بودن می کنند. اگر هم بتوانند آنها را از کار برکنار می کنند. یک مثال از این خلفان موجود برتسم چند بیژ پیش. چند نفری آمده بودند در کارخانه و اعلام می کردند که کارگران بخش می گردند بفع کارگران از طرف مجاهدین خلق کسب متأسفانه به دستور کیمت با خشونت روبرو شد. یکی از آنها را دستگیر کردند و بزه تبه بسته کیمت اصفهان. در کیمت به آنها می گویند که اینجا را دیگر اینجا نابورید و خودتان دمدر کارخانه و هیئت که آنها را بدهد. همانجا بزیبید شان. حتی اگر تا دم مرگ هم پیش بروید اشکالی ندارد. چون شما دسته جمعی نیست می کنید.

این حملات مکرراً تکرار شده است و اسیر سوسن دهمه بود که دم در کارخانه شهباز رخ داد. گروه های مختلفی بوده اند که آمده اند اعلامیه بخش کنند. در اعتراضی اعمال دولت نسبت به برادران کرد. با ترکمن آمده اند اینجا را بین کارگران بخش کنند. متأسفانه تعدادی از افراد دست نشاندگان کیمت آنها را گرفته تنگ زده و اعلامیه هایشان را بار کرده اند.

س: بیژ از ماه به (۱۱ اردیبهشت) بعنوان روز جهانی کارگران شناخته شده است. گویا در زبان شما هم این روز بعنوان روز کارگر تعیین شده بود. آیا کارگران کارخانه شما این روز را بعنوان روز کارگر می بینید؟ می شناسند؟

ج: در سال های قبل همانطور که گفتید روز ۱۱ اردیبهشت را روز جهانی کارگر نامیده بودند. و واقعاً روز عیدی بود برای کارگران که در این روز تعطیل بودند. جشن ها می گرفتند به خاطر روز جهانی کارگر و کارگران این روز را خیلی قبول دارند و خیلی به آن احترام می گذارند و عموماً برقرار بسوزن همین روز هستند که در همین روز جشن بگیرند.

بطوریکه اکنون شایع شده. می گویند که می خواهند بعد از یک روز ۱۱ اردیبهشت کارگران این روز را جشن می گیرند شده است ولی من احساس می کنم که با عکس العمل کارگران روبرو خواهند شد و لطمه ای است به ضرر و حیثیت کارگران. چون این روز سال کارگر. حق کارگر و روز استاد و همبستگی کارگران مراسم جهان است.

رسانند پس در درجه اول باید به متأسف و خواست های آنها رسیدگی شود. کسی که به کارگران می گویند صبر داشته باشید برای رسیدن به خواست هایمان مبارزه کنید آگاهانه یا نا آگاهانه آن به آسیب کارگران و سرمایه داران می رسد. در اولین کارگران فکر می کردند که از این جنگ کارزیا بیرون کنند. آنها انتظار داشتند وضع با عمار خوبی بهبود یابد. فضای سالم به کارگران داده شود. و مسکن کار به ۲۰ سانت در هفته تقابل باید. کارگران تنها به این خواستها نرسیده اند بلکه حتی نصف روزشان هم پرداخت نشده است. به این دلیل کارگران کم کم امید خسود را نسبت به شورا از دست داده اند و در تشکیل شورای واقعی کارگران هستند.

در واقع به این کارش که هر روز بیشتر در بین کارگران تقویت می شود. شورا تبلیغات وسیعی را علیه کارگران ریزند آغاز کرده است. تبلیغات مغرضانه شورا هم تا به گره این محور

اینجا کارگران پیش خود فکر کردند شاید گرسنگی تویه کرده باشد. ولی هنگام پرداخت مسود ویژه که رسیده. معلوم شد که رضوانی با کسک شورا چه کلاه گشادی بر سرشان گذاشته است. حتی طبق وعده و وعده های خود شورا فرار بود به هرگز بین ۱۳ تا ۱۵ روز شورا چوبه متعلق گیرد ولی هنگام پرداخت بیش از وعده یعنی حتی کمتر از نصف آنچه می بود. در واقع داده بود. دریافت نکرده شورا در انتخاباتی دور از واقعیت چه توجیه کم بودن مسود ویژه برای کارگران می آورد ولی در مقابل. همه ای از کارگران مبارز خواستند که در جلسهای تشکیل از نام کارگران به حساب کتاب شرکت با مشکل ارائه آمار دقیق رسیدگی شود تا مقدار واقعی سودی که باید به کارگران تعلق گیرد روشن شود. در جواب به این خواست منطقی و صحیح کارگران، شورا می گویند باید توپان را کم کنید. به انقلاب لطمه ای نزنید و کارگران را بکیمت ولی امروز همه می دانند که اساساً این دستگشای بخصوص کارگران بودند که انقلاب را به پیشروی

است. سر خود را گرم کرده است. شورا کنار خود را با دادن وعده و وعده های دور و دراز به کارگران آغاز کرد ولی در عمل هیچ مبارزه ای را جهت کسب خواست های کارگران انجام نداد. به این میانه که سند بنگای فکلی در مسائل کارگری تجربه دارد. رضوانی مدیر سند بنگای سابق را که بهترین تجربه ای در مسائل کارگری شوره مالیدن سر کارگران و گسولوزن است. شورا به کمد گرفت. رضوانی کسی است که از نقطه نظر رژیم سابق دارای تقسیم شرایط عدم کارگری بود که به نمایندگی کارگران برگزیده شد. از طریق همین عناصر بود که نام مغرور سابق موفق به ایجاد دو دستگشی و تفرقه بین کارگران و شناسایی عناصر آگس و مبارز کارگران میداد. اینک شورا نه تنها این نوع عناصر ناپاک و تفرقه انداز را قاطعانه از صفوف کارگران طرفدار می کند. بلکه به ترازان به این سپانه که آنها دارای تجربه زیاد در مسائل کارگری هستند. برای رضوانی جلسه ترتیب دادند تا برای کارگران سخنرانی کند. در

کارگران جنرال موتورز

مرداد کوهنورد پس از گذشت سه ماه از پیروزی قیام کارگران کارخانه جنرال موتورز هنوز حتی بهانه این تین حق خود که پرداخت کامل مسود ویژه باشد هم نرسیده اند. کسب خواست های اساسی نساجی کارگران مانند تشکیل سازمان کار. تأمین مسکن و کنترل بر اموال تولیدی دیگر جای خود دارد. دلیل اینهم بسیار ساده است: شورای هیئت اسلامی کارخانه که قرار است نمایندگی به دست کارگران باشد عملاً با صحبت در پشت درهای بسته با مدیر عامل و همکاران با سند بنگای فرمایشی سابق که از نظر کارگران منحل شده

می‌جردد که افرادی که داخل کارگران نفوذ کرده‌اند و می‌خواهند با اغلالگری به انقلاب لطمه بزنند - به گمان شورا کارگران باید این گروه افرادی را که کوشش هستند و دشمن سرخست اسلام می‌باشند شناسایی کرده آنها را طرد کند - پروا هیچ است که شورا از طریق

دیلمه‌های بیکار تبریز چه می‌گویند

سازده طبقه بیکاری همچنان در سراسر کشور ادامه دارد - با گذر هفتاد و یک سال از انقلاب بیکار سراسر کشور در خانه کارگر (تیسران) نخستین قدم در راه ایجاد اتحادیه سراسری بیکاران و بیوزاری ارتباط سراسری بین کارگران بیکار و شاغل برده شده است - علاوه بر این دیلمه‌ها و لیبانه‌ها و سایر سرشار - تحصیلان بیکار نیز به این مبارزه پیوسته‌اند و در راهبردهای مختلف شروع به شکل و طرح خواسته‌هایشان کرده‌اند - طرفداران تشبیه کارگر در آن ریاست‌ها گزاش می‌دهند که هم اکنون به بیابان سیاره موقت، آمیز دیلمه‌ها و فوق دیلمه‌های بیکار نیز در تشکیل و برپیداشناخته اتحادیه خود اگر از این مختصر این مبارزات در آید گان ۲۵ فروردین و ۲ اردیبهشت آمده است - آسانس‌های بیکار در صدد شکل خود و بوستن به مبارزات اتحادیه به دیلمه‌ها و یون دیلمه‌ها هستند و همچنین مبارزات

این تبلیغات هدف تحریک اندازی بین کارگران را دنبال می‌کند - ولی از آنجا که کارگران به رأی اعلی دیده‌اند - در طی سه ماه گذشته شورا به بخش را ایجا کرده - تبلیغات مغرورانه شورا را جدی نمی‌گیرند - کارگران بخوبی درک کرده‌اند که برای رسیدن به خواسته‌هایشان

مشايشی در سایر شهرهای آذربایجان از جمله ارومیه شکل گرفته است - در جلسه اول اردیبهشت که طوسی آن نخستین میزگرد است گان ۶ لغوی اتحادیه انتخاب شد یکی از کانه‌ده‌های انتخاباتی حیات‌گردانندگان - داور طوسی - بزانه ذیل دیلمه‌های بیکار آذربایجان شوق - تیریسز پیششیان کرده - قرار است این پیششیان در جلسات آینده اتحادیه به بحث گذاشته شود - متن بزانه پیششیان از این قرار است: " اکنون بیکاران در مبارزه در راه خواسته‌های خود پیش از هر موقع دیگر احتیاج به سازمان‌های خود - ای پروژه اتحادیه‌های سراسری بیکاران دارند - لنها راه گسترش مبارزات - برحق بیکاران ایجاد همبستگی هرچه بیشتر بین بیکاران و شاغلین و کارگزاران همکار درجه تحصیلات است که خود عاقلی برای ایجاد شکاف‌های تفرقه در میان مسوولین بیکاران می‌باشد - در مورد بیکاران خواسته‌های زیر اساسی می‌باشند و بدون در نظر گرفتن گرو یا تستی از آن مسائل بیکاران قابل حل نخواهد بود - ۱- دولت موظف است برای بیکاران کسار ایجاد کند - ۲- دولت باید فوراً طرح‌های برزاسی رسمی را برای ایجاد کار از قبل ساختن

به صفوف متحد و منسنگ و برزنده نیازمندند - کسانی که به بیان‌های این‌تولیدکن می‌خواهند در صفوف کارگران تحریک اندازی کنند عملاً برضه منافع طبقه کارگر حرکت می‌کنند - در صفوف طبقه کارگر کوشش و غیر کوشش - مسلحان و غیر مسلحان باید از حقوق برابر در جهت آزادگی

۱- برای جبران ستم فاحش شی بنجاه حال اخیر سلطنت پهلوسی در مناطقی آذربایجان - کرهستان - بلوچستان و یگسر مناطق طبقاتی مستعده - شانه عرب‌ها و زکمان - این طرح‌ها باید تقدم داشته باشد - ۲- ملی کردن دارائی‌های پهلوسی و امین‌الیه است و سواچه در آن بزرگ فایده بیرون برداخت - غرامت از یک طرف - کسار انداختن بودجه هنگفت ارتش از طرف دیگر از آن جمله مواردی است که خارج طرح‌های عمرانی را تأمین می‌کند - ۳- تأمین آوردن خدمات کار افراد شاغل به سلامت در هفته بدون کاهش دستمزد - ۴- سرمایه داران می‌گویند که در حال رونق‌مندی هستند و به این سبب می‌گویند که کارخانه‌ها را تعطیل کنند - باید تمام کسب و کار در دخل و خرج ایجاب باز شود تا کارگران با چشم خود از صحت و با ستم این ادعا آگاه شوند - کارخانه‌هایی که سرمایه داران حاضر

ایدولوجی خود برعورده باشند - اقتصاد و بیاید اصلی دموکراسی شرط لازم برای پیوستن طبقه کارگر است -

به باز کردن آنها نیستند باید فوراً ملی شوند و تحت کنترل خود کارگران اداره شده و درآمد آنان برای طرح‌های عام المنفعه استفاده شود - ۷- ایجاد صندوق مالی بیکاران زیر نظر خودشان - ۸- پرداخت حق بیکاری - اتلا ماهی در نومان - در تمام مدت بیکاری - بلاعوض - ۹- حقوق شش‌ماهه برای کار ساری زنان مردان - منظور جبران ستم طبقاتی که طوسی اینها بر زنان وارد شده است - در استخدام آنها باید حق تقدم داشته باشد - ۱۰- بیکاران طبقاتی مستعده به تحت ستم ملی از حقوق شش‌ماهه برای اشتغال بیکار برعورده اند - باید در استخدام حق تقدم داشته باشند - ۱۱- هیچ نوع تفریق بین دیلمه‌های سپاهی و دیلمه‌های ساری در اشتغال وجود نداشته باشد - ۱۲- از معلومات خارج تحصیلان دیلمه و فوق دیلمه برای از میان بردن بیسوادی بخصوص در یوساها استفاده شود - ۱۳- ایجاد کلاسهای تعلیماتی - از قبل تعلیمات الکترونیکی و کامپیوتری و غیره - ساری زنان و مردان بیکار باید از دست خارج - ۱۴- ایجاد مراکز آموزشی برای ادانسه تحصیل یا پرداخت خارج -

ندارند - از حق بازتشیگ برعورده باشند - دارند ما کارگران قالیباف را - که کارسان در حقیقت هنر فرهنگ است - تا بحال قدری برعورده‌اند - ما همیشه زحمت کشیده‌ایم ولی از همه چیز محروم می‌باشیم - اگر حکومت اسلامی می‌خواهد از صحت دفاع کند مسأله اولین کسانی هستیم که با ستم به ما کسب و توجه خود - ما خواندن آن هستیم که وقتی ما را به کارخانه‌ای می‌برند و به ما کار می‌دهند (چون بعضی قالیبافی سلماتی خود را از دست داده‌ایم) ما را با حقوق یک شخص تازه کار استخدام نکنند - یعنی اگر ۱۵ سال قالیبافی کرده‌ایم - با حقوق ساری یک کارگر آن کارخانه با ۱۵ سال سابقه کار استخدام شویم و نه با حقوق یک کارگر مبتدی -

همس در این انقلاب داشته‌ایم اما از این دولت انقلابی صوت می‌خواهیم که به ما وام بلاعوض بدهد تا خارج روزمره خود را بپردازیم - تا بیشتر از این تاجرها و ارباب‌ها خون ما را نکشند - ما از دولت اسلامی می‌خواهیم کسب برای کارگاهی درست‌کند که تنها ارباب با دولت باشد - اگر نتوانست آنرا انجام دهد به ما پولی بدهد تا از صحت خود استفاده کنیم و شرکتی تشکیل بدهیم که همه در آن شرکت سهام باشیم - تا خودمان کار کنیم و خریدار مستقیم داشته باشیم - اصلاً بسا کارگران قالیباف از سرباه دارها بیزاریم - والتمام - ما کارگران صف قالیبافی به کسب دولت و همه کارگران محتاجیم - چون زندگی ما بطور مستقیم در خطر است - ما می‌خواهیم که کارگران سمن و کسانیکه قدرند کارگر کسبون

است عبارتند از: بازگشت قوی گسارگسارن اعراضی و بیکار به سرکار همراه با پرداخت دستمزد - پرداخت مزد ساری در سراسر کار ساری به زنان - ایجاد صندوق بیکاری - کوتاه کردن دست سرمایه‌های خارجی و غیره - برای بریدن به خواسته‌های فوق‌الذکر ۷۰۰۰ کارگر قالیباف - ۵۰۰ کارگر اعراضی فعلی و بیکار در با شگاه کارگران تبریز متحصن شده - در محاصره ای که از طرف خیرنگار کارگر با چندین از نمایندگان کارگران انجام شد - یکی از کارگران چنین گفت: " هدف انقلاب ما بالا بردن سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و تأمین کسبون طبقه سرباه دار بود - ولی تا بحال هیچگونه اقدامی در اینباره انجام نگرفته است - ما همه مسائل را در دست داریم برای اینکه برای همه زحمتکشان خانه بسازیم - هم می‌ندس داریم - هم سیمان - هم آجر - چرا دولت از وجود ما کارگران بیکار برای ساختن خانه استفاده نمی‌کند - همه می‌دانیم که اکثریت جمعیت ایران به خانه احتیاج دارد ولی دولت هیچ اقدامی در اینباره بعمل نیاورد است - مگر ما در این انقلاب شرکت نکرده‌ایم - پس چرا خواسته‌های ما مورد توجه دولت قرار نمی‌گیرد - خیرنگار نقشه کارگر از نمایندگان کارگران قالیباف خواست تا اگر بیاسی برای خوانندگان این نشریه دارند آنرا بیان کنند - آنچه زیر می‌آید متن پیام این نمایندگان می‌باشد - " ما صف کارگران قالیباف تبریز که ۶ بوز است در اینجا متحصن کرده‌ایم نه می‌خالمان هستیم و نه دیوانه - ما را سرمایه داران تساهل استعمار کرده‌اند - ما کارگران که سهم

کارگران قالی باف تبریز

کارگران قالیباف - بیکار - اعراضی و فعلی در تبریز در اعتراض به مسئله بیکاری و برای احقاق حقوق با بحال شده‌شان از اواسط فروردین ماه دست به مبارزه وسیعی زده‌اند - کارگران در قطعنامه ای که صادر کردند - از دولت خواستند که هرچه سریعتر به خواسته‌های بخلشان پاسخ گفته شود - در اینصورت قطعنامه کارگران قالیباف خواسته‌های خود را در ۱۲ ماده تدوین کرده‌اند که همه تیریس آنها مربوط می‌شود به: دریافت تسویری وام بدون بهره - تأمین بیمه درمانی رایگان - لغو قانون استجاری کار و تدوین قانون جدید - شرکت بیکاری نمایندگان واقعی کارگران تشکیل ساعات کار روزانه به ۷ ساعت و کار هفتگی به ۲۵ ساعت - تشکیل شرکتی از طرف دولت جهت خرید قالی‌های بافته شده - و جرمورد نمایندگان کارگران در این شرکت جهت تأمین نیت تسویری قالی‌ها - بازتشیگ کردن کارگران سمر و ناتوان و پرداخت کامل حقوقی بازتشیگ کارگران اعراضی و بیکار و فعلی تبریز - جلسه ای قطعنامه ۱۲ ماده ای تصویب کردند - خواسته‌های همه ای که از دولت طلب شده



و آن نتیجه گیری سیاسی اکنون در مورد کلیه کشورهای کارگری گویا اختیار است. کشورهای که حکومت هایشان بدست آزادی خواهان است که از خط امامت یعنی دموکراتیک و پارلمانتاریست با سیاست انقلابی بین المللی عاجزانه تجربه غلبان های لیبرال و مجارستان در سال ۱۹۵۶ - و حدود بیستی که بر جرمان استالین - زدائی در اتحاد شوروی اعمال شد. و هنر و دستان در هند و صورت یک حزب مستقل - مارکسیست - لینینیست برای رهبری انقلاب شد و پرواز کند تا مرحله پیروزی است.

موضوع اصلی سده جدید به وحدت اینست که در هر یک بخش مبارزه جهانی بسیاری سوسیالیست "ساختن حزب انقلابی و سیاسی توده ای جدید" و "طیفه استراتژی مرکزی است" - هم در کشورهای کارگری - هم در مناطق مستعمره و بیشتر از همه در کشورهای سرمایه داری پیشرفته.

اگر مطالبای بزرگسالی و چین برای نشان دادن این موضوع فکر می کنید که هر جنسی زیر فشار دست نخواهد شد - در عرض مثال گویا غالباً برای اثبات این مطلب آورده می شود که در مبارزه برای کسب قدرت ابتدا حزبی لازم نیست و با اینکه هر سازمان سیاسی توده ای هم قادر به انجام اینکار خواهد بود - پیش از هر چیز این مطلب "فایده تغییر نام رشتی از تاریخ سیاسی انقلاب گویاست. نخست ۲۶ ژوئیه دارای هسته ای کوچک و درهم پاشه از رهبرانی بود که تحت انضباط نظامی حاکم بر بیرونی های سلطنت قرار داشتند - در گرمانگ چنگسنگ داخلی علیه پادشاه، آنان مجبور به ساختن یک رهبری ریاست پذیر شدند - بعضی اینکه زمین دگان آزاد بخواد کپانی بر کشور مسلط شدند - به این موضوع پی بردند که نه تنها نمی توانند از حزب پیشتر صرف نظر کنند، بلکه دست به چیدن حزبی نیاز دارند - از این رو دست به کار ساختن حزبی مطابق با خط مشی مارکسیستی شدند و هنوز پس از نه سال که از پیروزی آنان می گذرد بدین کار پیوسته - آیا اگر آریه - پیش از کسب قدرت و پس از آن - می توانستند با حزب و کارهایاتی نبودند تر وارد عرصه انقلاب شوند - بسا مشکلاتی نظری مواجه نمی شدند؟

درستگویی استدلالتی های گویای اینگان مطلوب را از پیش فریادگن ساخته بود - بخلاوه باید به این مطلب هم توجه داشت که پس از تجربه کپانی - هم امپریالیست ها و هم دست نشاندهان بوسی آنان که زیر نظر یا شکن قرار دارند - بهر حال پیش از گذشته گوش بزرگس هستند تا با اهدافشان سرکوب گرانه خورش ها را در نقطه خفه کنند.

شرایط مبارزه برای کسب قدرت در کشور - که به مراحل عالی صنعت دست یافته - اند بهر حال با شرایط مبارزه در کشورهای مستعمره تفاوت دارد - در کشورهای مستعمره

ظلمات بالا تاوان - بنفرد - و بی اعتباری است - و از سوی دیگر - شدت وحدت وظایف - تا چنانچه دموکراتیک خواست های کارگران بزرگ بگردد - غلبت می کند - اصالتاً وضعیت پار خواهد بود اگر فکر کنیم که در سنگسره های مستعمره امپریالیست کارگران قادر خواهند بود تصد رهبری احزاب پیروگرانه - قانده و تسلیم شده - سوسیال دموکرات و کمونیست - و یا تحت هر یک از سایه های سانیست این احزاب - خود را از شر سرمایه داری خلاص کنند - در این کشورها ساختن احزاب انقلابی مارکسیستی و طیفه ای مطلقاً بیرون و بی چین و بی رسته - مشکلاتی که توسعه گیت های پیششار در طول سده دهه گذشته با آن دست و پنجه نرم کرده اند - نشان دهنده اینست که برای حل مشکلات چند جانبه این صورت هیچ دستور العمل ساده و آسانی وجود ندارد - مشکل اصلی در راه ساختن یک رهبری بگسرد و مشکل لقب این کشورها - حضور سازمان های نیومند و ترنمند کارگری - سوسیال دموکرات و کمونیست است که کنترل پیروگرانه خود را بر جنبش کارگری اعمال می کنند - لکن به دلایل منطقی از نوع و راه اداری کارگران پیروچه اریست - چنین شرایطی - غالباً منسحب در اینست که گویا اولیه مارکسیست های انقلابی وارد این احزاب توده ای شوند و برای مدتی نسبتاً طولانی در داخل این احزاب کار کنند - هرگز نباید فراموش کرد که هدف اصلی

از این تاکتیک تعادل مبارزه از بوسه آوردن - استقامت بخشدن و گسترش دادن کارهای اولیه - و بسط تاسی های که بسا عناصر پیشرو ایجاد می شود - این تاکتیک در فلسفه هدف نیست - هدف غوری بند بسال کردن گروه مبلغ به نیرویی است که قادر به نفوذ در توده های وسیع باشد - آنسها را مشکل سازد و در عمل رهبری کند - و هدف نهایی ایجاد یک حزب جدید استود اف از طبقه کارگر در امتداد این سراسر است - تجربه ثابت کرده است که دام های بسیاری در راه پیاده کردن تاکتیک شده اند - وجود دارد - هم است در نتیجه فوطه پر شدن در کارهای اصلاح طلبانه بدست انقلابی و خو گرفتن بیش از اندازه به بسک محیط سانیست - شیوازه و جوهر گراندر انقلابی رویه نهاد نگذارند و چشم اندازهای بی فروغ و حلی رنگی خاموش گردد - فوطه پر شدن کامل در یک چنین حلقی سادات و خطرناک فراروانی دیر دارد - با سراسر این ضرورت است که کار داخل با بخشی از کارهای سانیست گردد - تا به بوسه بزیاده کانسسل و سانیست های بین الملل چهاره همواره در حضور کارگران پیشرو قرار داشته باشد - حتی ممکن است تاکتیک تعادل را بسا

نی کپانی و انعطاف ناپذیری اجزا نمود اما چنین مواردی را دیده ایم - در این صورت بخاطر عدم حصول نتایج کافی و سریع

تشکیل شده و کلیه امور مربوط به انتظامات محله های سکونی مردم عوب به دست جنبش کپنه های سیره شود - ما موران شورایی کپنه های غیر عوب - در نواحی سکونی مردم بدست ماندن لشکر اشغالگر نامل می کنند - کلیه نیروها باید از این محلات خارج شده و این محلات تحت کنترل کپنه ها و سازمان های خود خلق عوب درآید -

تروم همسگی همه زحمتکشان ایران با خلق عوب

انقلاب ایران که سرنگونی سلطنت دست نشانده شاه را به ارمغان آورد - اکنون چشم انداز با آن خشنودن به پیش از نیم قرن ستم مغرب بر طبقه های غیر فارسی - عوب - گسرد - بلوچ - آذربایجانی و ترکمن - را عوب دیده اند -

مکن است گروه مبلغ بطوری سبک سراسر دست به ایجاد یک سازمان مستقل بزند - اگر بوی این سیاست افراطی - نخست پیش از انقلابی های باوراً سبب انقلابی - یا فشاری گردد - این امر منجر به انزوی خود - تحصیلی و تاوانی گروه خواهد شد - انگار به پیروگرانه ای اصلاح طلب و پیروگرانه ای احزاب کمونیست کند خواهد کرد که زمام امور را بدون حریف بدست بگیرند - انگار همچنین سبب خواهد شد که مجاری ناس و مزایده بین مارکسیست های انقلابی - بهترین عناصر مبارز در احزاب سنتی پارکستر شود -

تروم گیت های آمریکائی - از همان زمانیکه چشم انداز اصلاح طلبانه - کمونیست را در سال ۱۹۲۲ ظهر کرده - هم از طریق فعالیت های مستقل و هم از طریق مقابله های داخلی بگونه ای که ترا بسط اشتقا می کرد - مرکز ساختن حزب انقلابی مارکسیستی در ایالات متحده بوده است - حزب کارگران سوسیالیست خود را وارد شروع بهتیرین صحن نهضت سوسیالیستی در حزب سوسیالیست ایالتی - سازمان کارگران صنعتی جهان سنت جان و هم بود - و در آن زمان نخستین حزب کمونیست می دادند - این حزب تجربیات خوب و بد کوشش های بیگانه گان شور را برای ایجاد حزب خود نیاز کارگران آمریکا بنظیر رهبری انقلابی استخراج کرده و از آنها بهره مند شده است -

تاریخ نهضت کمونیستی آمریکا - از همان بدو تولدش در سال ۱۹۱۹ - حاکمی از مبارزه برای ایجاد حزبی راستین بوده است - سبایل دیگر همگی در ارتباط با این موضوع اصلی مطرح شده اند -

تاریخ نهضت کمونیستی آمریکا - از همان بدو تولدش در سال ۱۹۱۹ - حاکمی از مبارزه برای ایجاد حزبی راستین بوده است - سبایل دیگر همگی در ارتباط با این موضوع اصلی مطرح شده اند -

تاریخ نهضت کمونیستی آمریکا - از همان بدو تولدش در سال ۱۹۱۹ - حاکمی از مبارزه برای ایجاد حزبی راستین بوده است - سبایل دیگر همگی در ارتباط با این موضوع اصلی مطرح شده اند -

تاریخ نهضت کمونیستی آمریکا - از همان بدو تولدش در سال ۱۹۱۹ - حاکمی از مبارزه برای ایجاد حزبی راستین بوده است - سبایل دیگر همگی در ارتباط با این موضوع اصلی مطرح شده اند -

د و پیشرفته ترین کشور سرمایه داری اهلست خواهد یافت و کامل ترین کاربده خود را در مبارزه برای سوسیالیسم در این کشور بدست خواهد آورد -

در این کشور انقلابیون با سازمان یافتن ترین تیزترین قدرتهای اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی در تاریخ بندر سواحلند - این نیروهای طبقه اجتماعی توان بدین بسک جنبش توده ای رنگ از سازمان و طیفه - یوانان - که در رأس آن یک رهبری سوسیالیستی سرگز - منضبط - اصولی و بسا تجربه قرار گرفته باشد - سرنگون کرد -

مکن نیست بتوان بطور عمده ای به بسک انقلاب مبارزه بیزند - ایالات متحده دست یافت - این انقلاب باید توسط مردم و حزبی سازمان یافته و هدایت شود که گتت شورای کارگران - جناح و درسیاتی که توسط طبقه کارگر جهانی جمع آوری کرده به - در اختیار خود داشته باشد - خویشی و سازماندهی در امر سیاست و عمل باید به سطح خویشی و سازماندهی در ضمن باشد - و از آن نیز بگذرد -

مکن نیست در کشورهای سرمایه داری از حزب کمونیست - چه در اشتباهند - از یکس وجود جنبش حزبی برای پیشبرد و بسه پیروزی رساندن انقلاب سوسیالیستی در ایالات متحده - این نظریه ای سرمایه داری جهانی - شرط و ابزاری مطلقاً بی ضرورت - درست میماند که در گزگونی ایجاد شده - بوسیله بلشویک ها در سال ۱۹۱۷ تعیین گام قطعی بود که بطرف انقلاب سوسیالیستی جهانی و تحده به سازمان جهان برداشته می شد - نظریه لینینیستی حزب نیز که اینست - توسط آن روداد به اثبات رسید - اشتباه نهایی خود را در سرنگون شدن امپریالیسم در این دژ مرکزی و استقرار رژیم سوسیالیستی در سوسیالیسم کامل در حران آمریکا خواهد یافت -

مکن نیست در راه حلی که به حل خصم - به درازا کشیده - رهبری شورایی - بیانجامد - جنبش که ضرورت نیست - و جزئی گستر - بدان بستگی دارد - و ایستیم بهرانی است که حل آن در زیر پرچم و ازلی "بزیانه" احزاب بین المللی جهانی صورت خواهد گرفت - چنین موجودیت توده بشر در کم - تحقق یافتن سریع این واقعه بزرگ است

مکن نیست مکتب مارکسیسم هرگز وظیفه ای بر این سنگینی بر دوش نگشاید - نه و انضباط طلبان و نظامی گران نیز برای انجام ایستیم وظیفه مجال زیادی ما نخواهد داد - در این پنجاهمین سالگرد انقلاب فاش ناپید بر انگیز - انقلاب بر زندگی همه ما را قالب ریختن و تغییر داد - شعار ما ایستیم - در راه رسیدن به این هدف با استیسی - بهر خاطر شریعت آردا بدست آوردیم -

خواست های خودخواهانه و بزرگان متده بسک عرب خود - هرگز - تنها به بنسوله است - زحمتکشان فارس می توانستند ستمی را که تحت نامشان علیه خود و موران و بزرگان عرب - کرد آذربایجانی - ترکمن و بلوچ خود از طریق دولت مرکزی بیا شده بچران کنند و نفاذی که سلطنت پهلوی مسئول آن بوده است - بسا اتحاد خلق ناپید بر کلیه مردم زحمتکشان ایران - در بین همه ملیت ها - ازین بیزند - باید با تشکیل جلسات متعدد آموزش در دانشگاه ها - بوسه مختلف آموزشی کارخانه ها و کارگاه ها - برآ کردن میتنگها و تظاهرات - حلق مبارزه خلق مردم از حق طلبان این خلق را بگوش کلیه زحمتکشان ایران رسانند - برای تحقق خواست های آنان و جلوگیری از تکرار فاجعه های ستم سندانج - کنگرهای و بنده گسرد -

درباره نقش واقعی تروتسکی

صرا: کاروس

مقاله‌ای تحت عنوان «توسع‌گرایان هزاره ها» نوشته خوری. در روزنامه پخام اسپوز ۱ از شماره ۳۸ تا ۴۶ به چاپ رسیده است. در این مقاله که به مناسبت سالگرد تولد لنین نوشته شده، بسیاری از واقعیت‌های تاریخی رهبر بلشویکی، بخصوص رابطه‌اش با تروتسکی و اصولاً شیوه تروتسکی در انقلاب روسیه به صورت فاش شده است. محتوا و حتی شرح مقاله با آن مکتب دروغ‌پردازی استالینیستی است و کتاب تاریخ مختصر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را می‌آورد. کتابی که شاهکار تحریف تاریخ محسوب می‌شود و شخص استالین بر نگاری آن نظارت داشت. «دفاع» بواسطه وابسته نشان دادن حقیقت «دفاع» خسروی از لنین نیز چیزی جز بدنام کردن لنین انقلابی بزرگ نیست. لنین قهر واقع که او برده است به یک بورژوازی حزبی است که بهترین دشمنی او استالین است. لنین یک بد، امری با شخصیت ابطواری نیست. شخصیت واقعی او ربطی به چیزی خشکی که استالینست ها از او می‌سازند ندارد. اختیار لنین در رفتن او در احیای نظریه مارکسیستی در شرایط خاصی آن بدست رهبران سخی اصلاح طلب بود. اعتراض در رهبری انقلابی است که برای کارگران شوروی فراهم ساخت و فساد در نیزها را افشاد. در رهبری است که از طریق سازمان دادن بین الطاق شورجیت کارگران سازماندهی و رهبری را در پیشگاه کارگران سازمان یافته‌ای او با نظام استشاری سرمایه داری جهانی است. پیرویه نیست که لنین برای توسعه و وسیع‌کاری تروتسکی انجام ندادند. باقی این طقه شده است.

با عنوان داران حکومت های آن‌ها هستند از طریق حلقه به تروتسکی. گل میسزرات مارکسیم انقلابی را هدف حمله خود قرار دادند. ۱۰ ایدان که رفتار همه بورژوازی فاش گویه اصول تروتسکیست است. حقیقت انقلابی تروتسکی و لنین در مشورت با لنین به دنبال نقل قولهای خارج از مشورت لنین بود. آنها را علم می‌نماید. از این بود. مسائل بعد از طرح می‌شوند که موارد اختلاف لنین و تروتسکی به راستی چه بود؟ لنین انقلابی را طبقه‌بندی کرده است. آیا چنین اختلاف نظرهایی میان رهبران جنبش کارگری طبقه و مجاز هست یا نه؟

لنین و تروتسکی دو رهبر بزرگ کارگری، علم نیر انقلاب اجتماعی قرن حاضر را رهبری کردند و با ایجاد نخستین دولتست کارگری سرخشی جنبه کارگران جهان بنیاد نهادند. آثار در گذر مبارزهای تاریخی و دوران ساز، سوسیالدم و به امر واقعی طبقه کارگر بودند. در چنین راهی پیروز انقلاب نظر بر میزان یک سلسله مسائل مربوط به تاکتیک و استراتژی جدید. میان آنها اصولی کلاسیک بود. این مقاله جنبه بیوزگارت های حقیقی چون استالین، خروشچف، بوزف و گاسپین قابل فهم نیست. براساس مان ایمان که چپاول دستور کار کارگران شوروی، زه و بند با امپریالیسم و حفظ

وحدت عمل و نظری که اکثر را ساخت، سزماندهی و نقش حزب انقلابی

تروتسکی در سالهای ندارد انقلاب معتقد بود که اختلاف میان بلشویکیا و منشویکیا، تمایز عمیق بر پایه خطوط کلاسیک است. بازمای نیست. او که خود موضع سازماندهی جدا از این دو و پیش سو سوال دموکراسی روسیه داشت معتقد بود که انقلاب آتینا را هم آتش خواهد داد. لنین برعکس، طریقه را اتحاد موضع آتش ناید بر با مشورت ها بود. تروتسکی در تب و تاب انقلاب ۱۹۱۷ به بلشویکیا پیوست. در شرایطی که استالین و بسیاری از «رهبران تروتسکی» حزب، دولت موقت کزنسکی را انقلابی می‌کردند و آماده سازماندهی با بیوزگاری روسیه بودند. تروتسکی بر بنیاد وحدت نظر سیاسی، بیرونی‌های به حزب لنین پیوسته و همراه او به مبارزه علیه لنین و «فراری از آموزش لنین را در زمانه بودند» دست زد. لنین به درستی بساد آوز شد که «دیگر پس از پیوستن تروتسکی به حزب، بلشویکی مین از او وجود ندارد» ۱۹ نوامبر ۱۹۱۷، عکس‌ها از کرات این



لنین و تروتسکی در سال ۱۹۱۱

روسیه عقب افتاده است. از طریق ایجاد حکومت کارگران قابل حل است. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نشان داد که کلیه تکلیف دموکراسیست انقلاب توسط دیکتاتور پرولتاریا حل شدند. مرحله پیروز. دموکراسی در انقلاب ایجاد نشد. در کارگزار انقلاب، بلافاصله پس از پیروز به روسیه. در تهرای آویل خود، نظریه تروتسکی را پذیرفت. البته این واقعیت را پایه تفکر داد که نظریه لنین و بلشویکیا با مرحله بندی تروتسکی نامتناسب متفاوت بود. لنین با فهم سیم طبقه مسائل ارضی در انقلاب روسیه بند ریج به استالین واقفیت آگاه شد که حل این مسائل دموکراسی انقلاب صرفاً توسط پرولتاریای روسیه ممکن است. تهرای آویل لنین هالترین مقال در باره چشم انداز سوسیالیستی روسیه نوشت. است و در واقع قبول شدنی بلشویکیا در مورد مرحله دموکراسیست انقلاب و شخصیت دیکتاتوری دموکراسی کارگران و دهقانان را مورد توجه نظر اساسی قرار داد. است. لنین بعدها در سخنرانی که به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب انگیز ایراد کرد، به این واقعیت اشاره می‌کرد که هیچ سوزگار جنبی انقلاب پیروز دموکراسی روسیه را از انقلاب سوسیالیستی جدا نکرده و حل کلیه مسائل و تکلیف دموکراسیست روسیه به عهده پرولتاریای روسیه افتاده بود. تا قبل از پیروی تیزهای زخمگستان در نوامبر ۱۹۱۷ هیچ دهقان صاحب زمین نشد و هیچ طب ستم به ای حق تعیین سرنوشت خود را پیدا نکرد.

اینجا امکان بحث فعلی کرد. مسائل مورد اختلاف لنین با تروتسکی و سایر رهبران بلشویکی نیست. صرفاً به این واقعیت با پس اشاره شود که وجود این اختلافی بحثی از نامل عقیده بلشویکم محسوب می‌شود. مبارزه و بحث درونی در سالهای پس از تفسیر در تب توسط خوراها نیز ادامه یافته است. این بحث‌ها توسط توده‌های طبقه کارگری دنبال می‌شدند و هر نحای نظری در مسائل مبارزاتی پرولتاریا آزادی و نتایج صحیح مباحث و مبارزات سیاسی استنتاج می‌شد. بواسطه وجود دموکراسی کارگری، لایه حضا و فشار پرولتری، کلیه طبایع، برنامه و نحوه مبارزه خود را به بحث می‌گذاشتند و جنبه کل طبقه، چشم انداز مبارزات آنس رویشان می‌گشت. بواسطه اقدام به همین مناس دموکراسی بود که لنین هرگز اختلافی ایجاد نکرده خود را با رهبران دیگر پرولتاریا، پس از آویل می‌کرد. صرفاً پس از پیوستن گار از اینجای دموکراسی استالینیستی بدون که اختلافی عمیقی لنین و تروتسکی به عنوان سلاح علیه تروتسکی نگار گرفته شدند. حجت استالینیست‌ها به تروتسکی، حمله به بلشویکی است. با عنوان کردن «تضامات» های تروتسکی «آنها در واقع به رهبری حزب بلشویکی و لنین نیز نیست خسته آویل می‌زند» در باره اینکه بلشویکیا وجود یک «عائل» را در بهترین مقامهای حزبی و دولتی تحمل کرده است. تروتسکی هم‌زمان رئیس شورای کارگران پتروگراد. عضو کمیته مرکزی حزب بلشویکی، عضو هیئت اجرائیه بین الملل سوم، رهبر و بنیانگذار آریانسس مسخ، سازماندهی قیام سمانه اکبر، بزرگترین خدمت‌رانه را به نیفت پرولتری جهانی کرده است. با تحریف واقعیت بدترین نسبت‌ها فقط به تروتسکی بلکه به لنین و رهبران بلشویکی زده می‌شود و این دقیقاً کاری است که خصی انجام داده است. در کلیه مواردی که او از تروتسکی یاد کرده، استالین دروغ‌پردازی آشکار است. به یکی از آشکارا های او دقت کنیم. مدعی است تروتسکی در سالهای جنگ آمین ایستی ۱۸-۱۹۱۷،

حلقه در کتاب تروتسکی بنام مکتب تروتسکی استالین آمده است و کلیه مدارک نیز نقل شده است. لنین پس از پیروی از جناح سوزگار و چوکوتیک و حملات آن به دستاویز همسای انقلاب بود که مخالفت قدیمی تروتسکی با لنین عنوان شد و از آن در واقع اسلحه ای علیه هر دوی آنها ساخته شد. بین الفسبل چهارم که توسط تروتسکی پایه گذاری شده بهترین شاهد دفاع تاریخی تروتسکی است. بلشویکم و نظریه لنین سازماندهی حزب بلشویکی است. در مقابل آن، حزب کمونیست (منجمله حزب توده ایران) در مقابل کامل یا آموزش لنین بدل به نیروهای ضد انقلابی شده اند.

چشم انداز انقلاب روسیه

تاریخ انقلاب روسیه و انقلابهای این قرن نشان داده که در دومین مورد اختلافی تروتسکی و لنین حق با تروتسکی بوده است. نظریه بلشویکیا در مورد چشم انداز انقلاب روسیه که آن را انقلاب پیروز دموکراسیست ایرانی می‌کردند، خطا بود. تروتسکی در این رابطه، از سال ۱۹۰۵ در نظریه انقلاب پیگیر خود پیش‌بینی کرد که وظائف دموکراسیست

حکمان در شوروی بخاطر اشتباههای ساده فتنه بیوزگارت‌ها هدف آنهاست. چشمه اختلاف نظر عمیقی می‌تواند موجود باشد. جدا اکثر اختلافی آنها از نظر تاریخی با اندازه شخصیت آنها خنجر است.

لنین و تروتسکی و سایر رهبران انقلاب اکبر، با مسائلی به طاعت وظائف کارگران جهان رویو بودند. مسائلی که بگفته لنین به دفع تروتسکی از آن بودند که از قبیل بتوان تصور آنها را کرد. این انقلابیون نظریه خود را به گونه آزادی‌های حلال طبقاتی نگذاشتند تا صحت یا خطای آنها در عمل اثبات نگردد. موارد اختلاف نظریه اساسی لنین و تروتسکی که مباحث آن هر یک به آثار کلاسیک مارکسیستی تبدیل شده و اخیر استالینیست‌ها خارج از حوضی آنها را نقل می‌کنند به دوران پیش از انقلاب برمی‌گردد.

این اختلافها دو مورد را در بر می‌گرفت:

- ۱- مساله سازماندهی حزب انقلابی و
- ۲- چشم انداز انقلاب روسیه - انقلاب بزرگترین آزادی‌بخش نظریات انقلابی و طبقه‌های سیاسی است. با پیوز انقلاب ۱۹۱۷، نظریات لنین و تروتسکی به آزادی‌ها گذاشته شدند. ضرورت اتخاذ تصمیم‌ها حیثیت وحدت لنین و تروتسکی را انقلاب مطرح کرد.



فاجعه نیروگاه اتمی در آمریکا

ارزنگه آزاد



در طی چند هفته گذشته، انتشار ویسری جهان پیرامون یکی از فجایع نظام سوذجوی سرمایه داری در جنوب و جنوب غربی آمریکا، اخبار مربوط به این حادثه در مطبوعات ایران درج نشده با اشاره ای کنار گذاشته شد. اما در اکثر نقاط جهان صدر اخبار مطبوعات با اشتغال گزیده است.

حادثه مربوط به توب نفیس نیروگاه اتمی "تری مایل آیلند" واقع در ایالت کالیفرنیا در ایالات متحده بوده است.

در طی چند سال اخیر، خاصه پس از "بحران انرژی"، شرکت ها و کارکنان حساسی علیه امپریالیست ها احساس برادری و سوختن میزبانی را در اختیار دارند. استفاده از انرژی اتمی را زمینه ای سودآور یافته اند. و نتایج با وجود خطرات فراوانی که شوه های کنونی استفاده از انرژی اتمی در بر دارد. امپریالیست ها ای امپریالیستی در سطح وسیعی با ایجاد نیروگاه های اتمی در سراسر جهان دست زده اند. مثلا حتی در ایران که یکی از بزرگترین صادرکننده های انرژی است و از طریق نفت با ایران تنین قیمت ها می توانست نیازهای خود را برآورده کند. در دوران سلطنت فراردها نشانی برای ایجاد نیروگاه های اتمی پیشه شده. ناگفته روشن است که طبعیت اینگونه فراردها نه تنها نیازهای کشور، بلکه نیازهای سودجویان سرمایه داران امپریالیست بود.

در دست ساختن است و تا سال ۱۹۸۰ است سال دیگر طبق برآورده وزارت انرژی بین ۵ تا ۱۰۰۰ نیروگاه دیگر مورد احداث است.

چند سال است که جنبش عظیم علیه نیروگاه ها و سلاح های هسته ای برای اقدام است. حادثه فون به جنبش جدید این نیروگاه تازه بخشیده. چند روز بعد ۵۰۰ نفر اهالی سانفرانسیسکو طی یک اجتناب عصبانه اعتراض خود را بلند کردند. در فون تعطیلات آخر آن هفته. ده ها هزار نفر در انرژی هسته ای در سراسر آمریکا به اعتراضات گسترده تظاهرات پرداختند. در واشنگتن صد و پانجاه هزار نفر در سانفرانسیسکو تظاهرات کردند و بر پایه رده اعتراض علیه دولت را در آن زمان ۵۰۰۰۰ نفر به عنوان اعتراض به طرح ایجاد یک منبع ذخیره زباله اتمی به تلفیق برداشتند. در ایران فرانسه نیز تظاهرات اعتراض آمیزی انجام گرفت.

مربتا می گفتند " هیچ چیزی که فاجعه انگیز باشد و برای آن فکری نکرده باشیم وجود ندارد". ولی روز سوم ناچار پذیرفتند که احتمال احتیاج به تخلیه ناحیه و دور شدن از منطقه وجود دارد. توصیه شد که بچه ها و زنان باردار ۹ کیلومتر از محل نیروگاه دور شوند. ولی به خاطر جلوگیری از عکس العمل دیگر تدبیری که مردم در آینده بروز خواهند داد. تا آخرین لحظه ممکن از همان دستور تخلیه خودداری کردند.

هر چند خوشبختانه انفجار و سیسوار حفاظتی صورت گرفت. ولی منطقه وسیعی از ساحل شرقی و حاصلخیزترین زمین های آن منابع آب شربهای بالتمبور، واشنگتن، فیلادلفیا، نیویورک و شهرهای کوچک دیگری به زباله های کشنده اتمی آلوده شدند. دولت و سرمایه داران بیشترین گوش خود را برای دور نگاه داشتن حقایق از چشمهای گران و منتظر مردم و سرپوش گذاشتن پسه خطرات این حادثه نمودند. مسئولین امور ناپایده منابع سرمایه داران منابع اتمی بودند. در فون با صورت سیاسی عدالت طلبی هشت نیروگاه مشابه دیگر که توسط سازماندهی نیروگاه فون ساخته شده اند. می گرفتند. روش هشنگ آنها عمل کردن پشت سر مردم و پشت درهای بسته است. همانطور که تصام وزارتات حسی در پوشیدن کتافات حسی می کردند. دولت سرمایه داری نیز که سرچشمه این کتافات است. باید چهره اش را بسا سیاست و دیپلماسی مخفی بپوشاند تا مردم چهره واقعی آنها را نبینند.

در آمریکا هفتاد نیروگاه اتمی در حال کار کردن است. حدود ۱۰۰ دستگاه دیگر

مختصن فکر می کردند که بپایه گسی می توانند جلوی توب کامل را بگیرند. شتمتع و اهل شمار به هزار برابر "حد کشنده" رسیده بود. آنچه گمان از دین حصار فون حفاظتی نبود میزید. بهارهای رادیکالیستو به فضا راه یافتند. چند صد هزار لیتر آب سموم شده به دین رودخانه "سایگوانا" ریخته شد.

وقتی خبر حادثه فون و احتمال انفجار در قریب آلتونج پوسنه حفاظتی نیروگاه اتمی از تلویزیون پخش شد. ده ها هزار خانوادده سابقه شوم مرگ را در نزدیکی خود یافتند. بسیاری از خانواده ها شروع به جمع آوری وسایل و بار کردن آنها روی اتومبیل های خود شدند. برای کسانی که در این فاصله گسار می کردند و با حمل داشتند. فرار از زندگی خانه و گاشتن طرف سرزنش نامعلوم پس دره آورد بود. آنها اولین آوارگان انرژی اتمی در آمریکا بودند. ولی همه نی توانستند خانه و گاشتن خود را که در شترنج سالها گوشی بود رها کنند. آنها با بند های آهنین جبر اقتصادی، دستنزد، خانه و بسا مزه خود به آن ناحیه پیوند یافته بودند. هم رفتن و هم ماندن برای آنها مرگ آورده بود. کسانی که در شعاع ۹۰ کیلومتری زنگ می کردند مورد امانت شتمتع معسادل ۲۰۰۰ نفر عکس برداری سینه واقع شده بودند.

روز اول میزان شتمتع در داخل شعاع ۵/۵ کیلومتری نیروگاه به ۲۵ میلی ریم در ساعت رسیده. میزان "میخاطر" شتمتع که بوسیله دولت برای عموم تعیین شده ۱۷ میلی ریم در ساعت می باشد. رضی که مورد انفراس مخالفین است. طمعات مسئول برای دور

در مقابل مخالفت ملیونیا نوزاد مردم جهان که حاضر نیستند جان و محیط زیست خود و نسل های آینده را به خاطر سودجوی سرمایه داران بزرگ به مخاطره انداخته باشند. آن زود روز جنبش اتمی و نیز دولت آمریکا. بی درین نتیجه "مطامعات اتمی" را منتشر ساخته ادعا می کنند که فرغ حادثه فاجعه انگیز تنها در "هر یک میلیون سال یکبار" امکان پذیر است.

حادثه نیروگاه اتمی "تری مایل آیلند" بی باکی امدها را یکسره نشان داد. حادثه در ساعت ۳ صبح ۸ فروردین اتفاق افتاد. یک هفتاد از کارمندان و راکتور بلافاصله از کار بازنمی استند. فشار افزایش می یابد. درجه فشار باز می شود ولی بسته نمی شود. آب فوق العاده رادیو اکتیو به دین حصار تنون آید و تسلا دی راه پیدا می کند. با افزایش حرارت، ۱۲۰ پیس از سوخت فون المعاده رادیو اکتیو پسه دین

۱- گسترش و تعمیق حقوق دیوکراتیکسم برصحت شاهنشاهی خلق کارگران شهرداری برای ساختن سنگ دیوارهای و پوزنده خود - بزرگراهی شوراهای انتظامی بسیاری اداره امور شهرها به - - - - - مردم در سراسر اسپانیا

۲- مبارزه برای لغو قانون ارتد - شهرداری که صلا این اجازه را به حکومت مرکزی می دهد که بودجه شهرداری هائس را که اکثریت به دست احزاب کارگری افتاده است. تعلق کند

۳- مبارزه علیه بیگاری از طریق اجرای طرح های عام التعمیر - ایجاد مسکن و خدمات اجتماعی برای کارگران.

رسید - توانمکت های اسپانیا بیشترین آرای خود را در کشور باسک بدست آورده اند - کشور باسک یکی از مطبوعات تحت ستم دولت مرکزی اسپانیاست که تاریخچه مبارزات ملی و کارگری و دمکراتیک مخصوص در سالهای اخیر دارد - این یکی از بهترین پیروزی هسای سیاسی پس از پایان دوران دیکاتاتور فاشیستی فرانکو برای جنبش تروئیکسمی در اسپانیا می باشد - این پیروزی گامی به سوی در جهت ساختن حزب انقلابی کارگری برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در اسپانیا است - محور فعالیت، تبلیغ و تهیه اقتصادی - کمونیت های انقلابی در انتخابات شهرداری به دور مسائل زیر پوه :

در ماه گذشته، اولین انتخابات شهری - داری در سراسر اسپانیا پس از ۲۲ سال برگزار کرده به - در این انتخابات جنبش کارگری اسپانیا گامی چشم گیر جلو برداشت - بزرگترین احزاب کارگری اسپانیا - یعنی احزاب سوسیالیست و کمونیست - در اغلب شهرهای بزرگ اسپانیا اکثریت آرا را بدست آوردند - اتحادیه به کمونیت های انقلابی بخشس بین الملل چهارم در اسپانیا در انتخابات شرکت کرد و توانست ۲۴ کرسی را به خود اختصاص دهد - در انتخابات مجلس در ماه مارس گذشته استند گذشته تمام احزاب کارگری جمعا ۹۰ درصد رای آوردند ولی در انتخابات شهرداری این رقم به ۲۳ درصد

تروئیکست های اسپانیا
۲۶ کرسی
در انتخابات
شهرداری بدست آوردند

مبارزه جوانان برای دموکراسی

از ما خواست اخراج خمینی را مطرح کردند. ما در عمل نتوانستیم به سبب این خواست مسلماً صرفاً با هنرجویان را برای مدخله در پیوسته هنرستان و وزارت آموزش و پرورش در جهت لغو دموکراسی و نیز با گذارن حقوقان مبار می‌گردد. ما این درس را گرفتیم و هیئت‌مسئول درستان هنرجویان که با عمل تخریب موافق بوده‌اند و یا در آن خود سهمی بوده‌اند، نیز متوجه شدند که این عمل ایشان خطرناک متوجه کل هنرجویان می‌گردد. خشونت و تعدی در بین بین هنرجویان باید جای خود را به حسنیت سیاسی در محیط دموکراتیک بدادند.

س: در طی این تجربه، زمانی که شما در منظور تمام هنرجویان است. متوجه به لزوم ایجاد همبستگی هنرجویان شد به چه عکس‌العملی در برابر تبه‌پدیده‌ها دست برد داشتید؟

ج: در حال آنکه به هم که تعداد اساسی بین خود هنرجویان نیست. هرچند در ابتدای کار با هم اختلاف‌ناشته باشیم، ولی باید با احترام متقابل به حقوق یکدیگر با هم در پیوسته بدین جهت خود این بدین جهت هنرجویان است. استفاده کرد و تفرقه را در میان زد. در رابطه با این اتحاد سیاسی تصمیم گرفتیم که در هر گروه اختلاف عقیده‌ای با وجود عقاید اجتماعی و سیاسی متفاوت، متشکل کنیم تا این بار این خود هنرجویان باشند که در مورد امور خود تصمیم می‌گیرند و مجلسی دموکراتیک برای طرف عقاید مختلف داشته باشیم. همچنین همه هنرجویان طبقه تبه‌پدیده‌ها را که متوجه ما ما هر نفر شده بود بسنج شدند. همگی حکایت‌های خلقی آسمانی را برتری را محکوم کردند. شکل هنرجویان، و این تجربه ما بوده است. بهترین دستاورد دموکراسی در هنرستان است.

ج: با در اولین فرصت با روزنامه آینده‌نگار تماس گرفتیم و خواستیم که خبر مربوط به ما و خواست‌های ما را در روزنامه منتشر کنند که کردند. با سایر نه‌اوس تماس گرفتیم و همه دستیارانی که از ۱۵ دبیرستان هنرستان و همچنین دانشجویان پیشگام دانشگاه علم و صنعت دانشگاه گوانگ و کلا یا سارزه با اسلام همبستگی کردند. دانشگاه در ابتدای امر عدّه زیادی از دبیرستان‌های هنرجویان با تصمیم ما را یک نوع تجربه اندازی می‌دانستند. اساساً زمانی که مسئله تبه‌پدیده به اخراج مسلماً و مدخله بدو بر و اداره آموزش و پرورش پیش آمد این عده اهمیت مبارزه ما را زیادتر می‌کردند. می‌پرسیدند که چه دفاع از حقوق می‌خواهیم ما برداشتیم. واضح شد که حمله به حقوق ما حمله به حقوق کلیه هنرجویان است.

س: آیا حمله به نمایندگان عکس‌العملی برخورد های خشونت‌آمیز در هنرستان شما سابقه داشته و یا موضوع چه‌بندی بود؟ تجربه هنرستان شما در زمان جنبش علیه استبداد پهلوی چگونه بود؟

ج: در زمان مبارزه علیه رژیم پهلوی، هنرستان ما مانند هزاران مرکز آموزش دیگر به قانون ندادن افکار و عمل انقلابی تبه‌پسند شده بود. در آن زمان تمامی هنرجویان با وجود عقاید اجتماعی و سیاسی متفاوت، متشکل علیه استبداد پهلوی مبارزه می‌کردند. اما همین بدین هنرستان، همین آقای غریب هم در آن زمان و هم امروزه سعی در جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی ما کرده و می‌کند. آن در زمان تظاهرات تبه‌پدیده‌ها علیه سلطنت از شرکت ما در جنبش جلوگیری می‌کرد. بعد از سرنگونی رژیم شاه و قیام بیستم ساله ما به هنرستان یک تجربه آورنده داشته‌ایم. به دنبال تخریب نمایندگان ما توسط برخی از هنرجویان با عقاید سیاسی مخالف، تبه‌پدیده‌ها

دوهم شکستن تصمیم ما برآید. تکرار می‌شدند. با توضیح هنرجویان به مورد علت تصمیم افراد تصمیم گرفتند که این مسئله به آنها مربوط نیست. سپس اولیای آموزش و پرورش درصدد مذاکره با ما برآمدند و بعد از صحبت‌های بین ما و یک نفر از دیگران از نمایندگان محصلین و مشاورین آموزش‌پرورش فرار ما برآید شد که ما تصمیم را بشکیم پس شرط اینکه تا ریز در تبه‌پدیده‌ها به خواست‌های ما رسیدگی شود. خواست‌های ما عبارت بود از دو چیز: محکوم کردن عمل تخریب و خشونت و تعیین مجلسی برای تشکیل فعالیت‌ها. در این رابطه جلسه‌ای در محل هنرستان برگزار شد که چندین نماینده از طرف آقای گشادری، مسئول اداره آموزش فن، نمایندگان محصلین، رئیس هنرستان، آقای موشی، عده‌ای از مضمین نمایندگان که به عنوان "نمایندگان هنرجویان" آمدند بودند و در واقع از جانب مدیر تبه‌پدیده بودند. یک نفر به نام آقای نوروزی از کشته‌های انصاف‌گرایان است. به آموزش و پرورش در آن شرکت داشتند. قطعنامه‌ای در پیش ما صادر شد. در آن شش ماده نه تنها یک مورد از خواست‌های ما ذکر نشده بود که هیچ، بلکه در جهت محدود کردن آزادی ما نوشته شده بود. و البته ما با این قطعنامه مخالفت کردیم. در آن جلسه رئیس هنرستان و نمایندگان اداره آموزش و پرورش به ما گفتند اگر نپذیرید قطعنامه را امضا کنیم از هنرستان بعنوان خارج‌کننده اخراج خواهیم شد. تبه‌پدیده اخراج متوجه ما و نمایندگان دیگر تصمیم بود. البته این تبه‌پدیده بعداً شامل حال یک هنرجوی دیگر شد که در دفاع از حقوق ما سخن گفته بود نیز شد. س: شما در رابطه با دفاع از حقوق خود چه تصمیم چه کرده‌اید؟ عکس‌العمل هنرجویان به تصمیم شما چه بود؟

حاضر به زیر در تاریخ ۲۹ فوریه به ما و بن از نمایندگان شورای هنرجویان هنرستان شماره ۸ نایب، محمد تهرانی و مهم جوانی انجام شده است. شورای هنرجویان طی مبارزه اخیری، بوجود آمد. مبارزه‌ای که در جهت دفاع از دموکراسی در هنرستان شماره ۸ انجام شد.

س: شما و چند نفر دیگر از هنرجویان از طرف مدیر هنرستان تبه‌پدیده به اخراج شده بودید. به دلیل تبه‌پدیده و فعالیت‌های سیاسی، ممکن است زمینه این تبه‌پدیده‌ها را توضیح بدهید؟ چه شد که مدیر شما چند نفر را به اخراج تبه‌پدیده کرده؟

ج: روز هفتم فوریه بن نمایندگان از عکس‌العمل‌های نمایندگان چگونگی فعالیت‌ها، طسرس، اسلاید و بیشتر. در هنرستان تشکیل داده بودیم که توسط تعدادی از هنرجویان مخالف برگزاری این نمایندگان مورد حمله قرار گرفتند و تخریب شد. برگزارکنندگان نمایندگان از طرف این نمایندگان مورد حمله قرار گرفتند و در محل هنرستان تصمیم شدند. عکس‌العمل از ریز هشتم تا چهاردهم فوریه بن در آنجا داشتند. چنانچه برگزاری روزنامه، دو روز. حسن و شبنم تصمیم را شکستیم و زمانی که در ریز یکشنبه برای ادامه تصمیم به سالن مردمی از طرف هنرجویان که با نمایندگان را تخریب کرده بودند در روز ۱۱ جلوگیری شد. این عده از حمایت مدیر هنرستان نیز برخوردار بودند. ما تصمیم را در جلسه‌ای در روزی هنرستان ادامه دادیم. روز چهاردهم هم تصمیم گرفتیم تا تصمیم را به اداره آموزش و پرورش اعلام کنیم. ۱۱ متعلق کنیم. در آنجا به دلیل ظلم رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۱۱، افراد پارتی که صلاح مردم را می‌دیدند درصدد

قطعنامه تظاهرات اول ماه مه در تهران



در روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۱ اول ماه مه، تظاهرات عظیمی در تهران و شهرستان‌ها با شرکت روز جهانی کارگر برگزار گردید. این اولین تظاهرات بود که پس از سال‌ها تهور و محقان پهلوی کارگران و خردواران آسان در ایران برگزار کردند. در پایان تظاهرات این عده به تهران، قطعنامه‌ای ۱۰ ماده‌ای با موضوعی از ده‌ها هزار شرکت‌کننده رسید که در زیر آنرا می‌خوانید:

۱- هر چه زودتر کارخانه‌ها، بانک‌ها، مؤسسات، بیعه، شرکت‌ها، معدن و زمین‌های سرمایه داران خارجی و شرکای داخلی آنها ملی گردند.

۲- کمیته تراز داد‌های نابرابر سیاسی، اجتماعی و نظامی اسارت‌یاری با کشورهای امپریالیستی بخصوص فرانسه‌ها، لغت‌های باید لغو گردند.

۳- اخراج کلیه کارکنان کشورهای امپریالیستی و جایگزین تصمیم ایرانی را خواهیم گرفتیم.

۴- ضمن کردن کشور از طریق ایجاد و توسعه صنایع ماه باید ملی شود.

۵- ضمن محکوم کردن هر نوع تبعیض، از حقوق ملی خلق‌های ایران حمایت کردیم و تعیین این حقوق را در قانون اساسی آینده خواهیم گرفتیم.

۶- زمین‌های مالکان و سرمایه‌داران

۷- قانونی بودن حق اعتصاب و اجتماعات کارگری و عدم دخالت نیروهای نظامی و پلیس در امور کارگری.

۸- ۲۰ ساعت کار در هفته.

۹- تعیین حداقل حقوق برابر با مصان زندگی و افزایش آن متناسب با ارزشان سرمایه‌آوردیم‌ها.

۱۰- تأسیس سگی، بیعه، بهداشت، رایگان و ضرورت در مقابل خطرات و بیماری‌های ناشی از کار.

۱۱- حقوق مساوی در برابر کار مساوی برای زنان و مردان.

۱۲- برابری فرصت‌های سالیانه کارگران با کارمندان.

۱۳- تعیین بازبینی متناسب با سختی کار و حقوق بازبینی مطابق با افزایش قیمت‌ها.

۱۴- اخراج کلیه نیروهای نظامی از محیط‌های کارگری.

۱۵- در پیوسته تاختن سنده‌ها، شیواها، و اتحاد به‌های واقعی کارگری و انقلاب‌ریسی سنده‌های نظامی.

۱۶- اداره ما و ما و تأسیسات کارگری بدست خود کارگران.

۱۷- همبستگی خود را با تمام کارگران و زحمتکشان جهان اعلام می‌کنیم.

بزرگ و ایستاد به دربار حاد و باید به شورا - های دفاعی سپرده شود.

۱۸- ما ضمن پشتیبانی از مبارزات همه امپریالیستی آیت‌الله خمینی و آیت‌الله طالقانی از طرح انقلابی شوراها و ایالتی و ولایتی حمایت کرده و خواستار شرکت فعال تمام طبقات و اقشار در این شوراها می‌باشیم.

۱۹- طبقه کارگر در انقلاب نقش اساسی و تعیین‌کننده داشته است لذا مجلسی چنانچه از نمایندگان کلیه طبقات و اقشار

تظاهرات آرامنه علیه قتل عام ۱۹۱۵

آرمینه اوگان



محتضراتی از تظاهرات آرامنه در تبریز ۲۰ اردیبهشت

تشی از خواست های واقعی زمینگشان آرامنه دفاع نمی کند بلکه از پیش تقابله متوسلی و انقلابی در میان آرامنه جلوگیری می کند. براین از خواست هایی که جوانان مبارز آریش طرح کرده اند عبارتند از:

- ۱- استقلال شورای ملی علیه گری آرامنه
- ۲- انتخاب نمایندگان محلی
- ۳- تشکیل شورای محصلین، معصلین و استادان
- ۴- تخریب مخازن کانیهای دسیه آرامنه
- نوعه های مردم آریش بارها همبستگی خود را با مبارزات سایر مردم ایران و انقلاب ایران اعلام کرده اند و اکنون نیز خواستار محبت آزاد و دیوکراتیک ترهنگی و سیاسی هستند تا با شرکت مستقیم خود و شرکت نمایندگان واقعی شان در راه کتب محصلین خود پیش روند.

داری عقاید دست راستی سوسیالیست سوسیالیست است، و در ایران نیز سابقه طولانی فعالیت دارد و در دوران استبداد پهلوی آزادانه فعالیت می کرد. انگیزت مردم آریش را کارگران و صنعتگران تشکیل می دهند که همواره مورد تبعیض قرار گرفته و از بسیاری حقوق محروم بوده اند؛ حزب داشناکسیون همواره سعی داشته است تغییر و ختم این توده ها علیه تبعیضات را برسد سایر توده های زمینگش پیوسته خلقساز ترک برگرفته اند و چنین وانمود کند که با حمایت از طبقه حاکم می توان برای حفظ حقوق آرامنه کوشید.

شورای ملی علیه گری آرامنه ۲۰ نمایندگانه انصافی دارد که اکثر طرفداران حزب داشناکسیون هستند و کنترل تمام امور محلی ترهنگی و مدھی را در دست دارند و سه

سوزین های آریستان غریب که توسط دولت فاشیست ترکیه در چاه بانو اشغال شده باید به خلق آریش مسترد گردد. در طی هفته قتل از ۲۴ آوریل حملات مختلف سخرانی نیز در تبریز و اصفهان برگزار شد که در آن آرامنه نفرات و اعتراض خود را علیه این کشتار غیرانسانی و امپریالیسم جهانی ابراز داشتند. در اصفهان بیست و چندین هزار نفر در تظاهرات ۲۴ آوریل شرکت کردند.

این کشتارها از سال ۱۸۹۶ شروع شد. در این سال دولت عثمانی به سپاه حمله گروهی از آرامنه به بانک عثمانی کشتار و حملات خود را شروع کرد و حدود ۸۰۰۰ نفر در این سال کشته شدند. یکسال پس از آن چندین ده آرامنه نشین به خاک و خون کشیده شد و نزدیک به سیصد هزار نفر قتل رسیدند. این حملات مشابه تا سال ۱۹۱۴ یعنی سال آغاز جنگ جهانی اول ادامه یافتند. در آغاز جنگ، به بیاندسیه اوضاع جنگی، مردم آرامنه خلق سلاح شدند و زمینه برای کشتار سال ۱۹۱۵ آماده شد. حزب داشناکسیون که در انواع در مقامات دولتی نفوذ داشت و از پایه و نفوذ خود ای بر وجهی از بود کوچکترین اقدامی در راه نگر کردن توده های آریش و حمایت قاطبه مبارزه را جانب آنها نکرد. این حصر

نفره شله ۴ اردیبهشت (۲۴ آوریل) در تبریز و اصفهان تظاهرات وسیع سیاسی بنامیت سالروز قتل عام آرامنه در ترکیه برگزار شد. در سال ۱۹۱۵ در چنین روزی توده یک به یک، میلیون و نیم نفر از جمعیت آرامنه ترکیه، از این برید و بیرو جوان بخون کشیده شدند و آن قسمت از سوزین آرامنه که امروزه اریستان غریب خوانده میشود تحت اشغال نظامی و سلطه حکومت مرکزی ترکیه درآمد. از این تاریخ بهمه از رشد ترهنگی و اجتماعی آرامنه شدیداً جلوگیری شد. امروزه نیز در ترکیه آرامنه از حق خواندن و نوشتن به زبان آریش محرومند و متوسلی به قدرت بزبان خود صحبت نمی کنند. تظاهرات ۲۴ آوریل را شورای ملی علیه گری آرامنه در تبریز و اصفهان فراخوانده بود. در تبریز حدود هشت هزار نفر تظاهرات کردند از کلبای سوریه، ساریس، دنسر، شورای ملی علیه گری، با دادن شعارهای امپریالیسم، به طرف قدرت ترکیه حرکت کردند. برسی دیگر از شعارهای تظاهرات کنندگان چنین بود: «حق بشر فقط بسا مبارزه بگری خلق ما تحقق می یابد»، «ما زبان خلق سوسیالیست بر جانباختن امپریالیسم، مرگ بر رژیم فاشیست و اشغالگر ترکیه» و

سازمان یافته اند. این از آن جهت است که نمایندگان مجلس قانونگذاری ایران در کتب احزاب سیاسی انتخاب میگردند که اکثر آنها حمایت مالی و نفوذ سرمایه داران خصوصی هستند و آنان تا سرحد امکان رأی دهندگان را از قانونگذاری بدور نگه می دارند. تئیس این امر است که منتخبین مردم به استعداد کافی منابع بخش های گم انتهاز جامعیه حفظ می کنند. به علاوه تحت شرایط موجود سرمایه داران خصوصی بدون تردید، منابع اصلی اطلاعات، مطبوعات، راه پرو آموزش و تفریح را در چه مستقیم و چه غیرمستقیم کنترل می نمایند.

من معتقدم که تنها یک راه بسیار خلاصی از این بدبختی های ملت ایران است و آن از طریق ایجاد یک اتحاد سوسیالیستی همواره با یک سیستم آریشی است که جهت گیری آن بسوی اهداف اجتماعی باشد.

اکنون در سده بیست و یکم سال تولد و بیست و چهارمین سال مرگ اینشن نجاست که بگردد. به مرگ وی، به بشریت تنها یکی از بزرگترین متفکرین علم زمان بلکه یکی از مبارزین فعال در امر بشریت را نیز از دست داد.



این کتبه ها خوانده شود. با این اوزان شهادت خود داری نماید و آماده زندانی شدن و نابودی اقتصادی خود گرد و با به اعتماد او نمی باشد، به خاطر منابع و مساعدت فرهنگی کفورش خود را قربانی نماید.

ولی اینشن تنها یک آزاد بخواد و طرفدار آزادی های مدنی نبود. او معتقد به سوسیالیسم بود. او در هفتاد و سه سال زندگیش مقابله اش را در انجمنه بیرونی کافیه آیزد و در مقاله ای تحت عنوان "چرا سوسیالیسم" چنین نوشت: "هرچ و سرچ اقتصادی جامعه سرمایه داری کتوسسی، معقده من نشاء واقعی بدبختی است، او سپس در مورد تئوری های اقتصادی مارکس اظهار نظر نموده و اشاره می کند که چگونه آریش انسانی که محصول کار کارگر است، توسط سرمایه دار ضبط و به سرمایه می بدل میشود.

اینشن چنین نوشت: "تنجه این چیزات بهدایش بسکت انگارشی سرمایه خصوصی است که هیچ چیز نمی تواند قدرت عظیم آن را کنترل نماید. حتی در جوامعی که از نظر سیاسی بطور موزکراتیک

مصفاست صدمین سال تولد اینشن

اینشن سوسیالیست

علی گشتن

امسال صداد با صدمین سال تولد و بیست و چهارمین سال درگذشت یکسی از بزرگترین دانشمندان این قرن ما یعنی آلبرت اینشن است. او صد سال قبل در شهر "اولم" در آلمان متولد شد و در ایالات متحده آمریکا درگذشت. به جزات میسوان گفت که کتد های فاشیستی که او در فیم پیش از جهان و تخمین پیچیده آن نموده است، وی را تبدیل به بزرگترین دانشمند سده بیستم در این رشته از علوم نموده است. او در سال ۱۹۰۵ تفریبه نسبی خود را با فرمول معروف E=mc² محاسبه نمود و این خود کتبه ای بود که در ده های هشتاد و بیست و یک پیش رفت.

بروی اینشن در فدره ترکیه اندیشه وی نهفته بود. او از جوانب مظاهر مجزا و مفاد وی در علوم فیزیک، ریاضی، هندسه، دینامیک، نجوم و اکثر مباحثات فیزیکی جدید بوجود آورد و با مقوله ها و فرمولهای جدیدی در رابطه بین زمان، مکان، ماده و انرژی را اثبات نمود.

اینشن با بیرونی فاشیسم در آلمان در سال ۱۹۳۳ - به خاطر اینکه وی کمیسری و مخالف فاشیسم بود - برای فرار از دست چنانچه همسر و همکار ایالات متحده گردید و در آنجا اقامت کرد. پس از شروع جنگ جهانی دوم - اینشن از ترس اینکه میباید دانشمندان همکارش را به ساختن بمب اتم تسلیه - به رئیس جمهور وقت آمریکا، روزولت

خواننده عزیز:

برخلاف تشبیهات سرمایه داری، هفتاد و سه نامه سوسیالیستی کارگر از منابع مالی و مادی نظم برخوردار نبوده و فقط با کمکهای مالی شما قادر به ادامه انتشار است. به صورتیکه علامتند. بدین نشیبه و ادویه انتشار آن هستند. کمکهای مالی خود را به حساب زیر برای ما ارسال نمایند.

پانک شی ایران: تهران شعبه خراسان (خیابان تخت جمشید شماره ۴۳۳) شماره حساب: ۱۵۴۴ در وجه بهرام طغانی. پانک زهرانی

ماجرای واقعی

یک روزنامه فروش سیار



چرا باز آه از گریه؟ می‌خواهی از این بیسن بپوشانی خودتان جیسانه؟ ۲۰۰۰ شماره ۶ و ۱۸۰۰ شماره ۷ و ۹۰۰ شماره ۴ و ۳۰۰ شماره ۲ کارگر داشته ایم همدم که این می‌خواهد شل برنانه؟ بیسن را شیوع بکنه چون اطلاعاتی در کار نبود.

در همین حین یکی گفت روزنامه هایت را یکی برد من دیدم دتالشی که بگیرم سید این نکرده و برگشته که دیدم در جسدود ۹ نفری ریخته اند روی سر و دستم و دارند اونو کتک می‌زنند که من سر پیچیدم شیوع کردم جوابی به هرکشان دادن و داد کشیدم مگر شاهان کینه ندارند میوه به کینه شکایت بکنند - این یعنی چی آیا اسلام اینو گفته شاهان دزدیدند نه الهامی که دیدم عسکان آقای است که پس پیچیده اند بود گفت مگر من به تو نگفتم تا پس چرا باز ایستی و بازهم نشینی می‌کنی؟ گفت مگر به گفتی نیست گسه من می‌بارم با تیغ که شیوع کرد به پشت و گند انداختن که در این حین چند نفری کینه بول و چند کتاب را برداشتند و در ریخته.

چند نفر از جبهه ها رسیدند و کلد کردند تا کتاب‌ها را جمع کردم و گفند ما میسر در کمر نشو کتابها را می‌برند - ما هم رفتیم در جلوی کینه مرکزی نشو و خوریدیم - پیاده شدیم که شکایت بکنم که همان آقای که مسرا رسانده بود گفت تو اینجا از پند می‌کنی پیاده ای ندار - گفت می‌دانم ولی می‌خواهم کارم را با او بشو بکنم و عونه ای از کار شماره ۱ برداشتم رفتم داخل کینه.

در جلوی دیو بروی بعد از بازرسی بدنی و سؤال و بیج کردن راهم دادند -

وارد که شدم پرسیدم اینجا سیرتیشی کیه؟ گفتند اینجا سیرت نداره - گفت یعنی چی یعنی حرفی هرگز نگفت آره - گفت بالا آورد که منی هست که بهم جواب بده یا نه گفتند سیرت این اطای و رفتم اطای دست جیبی اطای امور اداری - دیدم چهار نفر نشسته اند و بگفم با همین سیاه در بالای اطای پشت میزی نشسته است پرسیدم آقا شما سیرتید گفت نه گفت یعنی شما می‌توانید به حرف‌های من پاسخ بدهید - گفت بعله - گفت اوسته ام شکایت بکنم - گفت از کی؟ گفت کنار جیبهایمان داشتیم کتاب می‌فروختیم که چند نفر ریختند و روزنامه هام را در زده پند و پرودند و خودم را هم کتک زدند و اینهم توبه روزنامه‌ام - روزنامه را در دست یکی از همکارانم و گفتم اینها بخوان - گفت بعله بخوانید همان حرف‌های است که در تلویزیون شما زده اند - اگر این آزاد بود پس این هم آزاد است؟ چرا گرفتند و پاره کردند و شما که مأمور کینه اید و مأمور حفظ نظم و آزادی ماید از آزادی من دفاع بکنید - گفت ولی از کسانی که جنان و اراجیف به اسلام نوشته باشند نه -

گفتم اگر نوشته باشند - آیا این کتابهایش جنان و اراجیف است؟ شما باید این افرادی

که این جوری دارند بین طرفین را بهم می‌زنند بگیرند که گفت به ما مربوط نیست - گفت پس به کی مربوط است مگر شما مأمور کینه نیستید مگر آقای طاقانی و آقای خمینی نگفته است آزاد است؟ و شما هم که طرفدار خمینی هستید باید به گفته هایش عمل کنید - این افراد به اسم کینه می‌آیند و این کارها را می‌کنند و اموری شما راهم می‌برند - و مگر اینکه شما طرفدار خمینی نباشید و جزو طرفداران ایشان نباشید - که در این هنگام بلند شدم و گذاشتم تیغ گوشم و جنلی که فلان فلان شده برای من خط مشی تعیین می‌کنی مگو بیسن از کجا اوردی؟ اوسدی که نوشته است؟ نسو توطئه گری از کی حقوق میگیری؟ برای کس کار می‌کنی؟ و می‌شنید و میبلی بود که مزه - گفت دست روی من بشد نکن اینجا کینه است و تو بعضی زیر یکی اگر من تاهای کسره ام تویارام گفت - دستم بزنید و می‌اندازید زدن دیگر چرا می‌زنید - گفت آره هسسم تویارانت می‌کنم هم می‌کنند و می‌اندازم توی تویارانت - نو فکر کردی - آهای و پشتند یار در راه بخت سیرت بیند - و باز گفت - گسه دیدم یکی وارد شد و می‌اندازد آورد و به ما هانم بست.

و باز این آقا که بعدا پرسیدم اسمش (کرم خانی) نامی بود شیوع کرد به کشیدند و همچنین نوشت که گفت اگر نمی‌توانم جالبی کتک زدنت را بگموز می‌زنی ولی نفس ندانم - تا نداری و اگر بکند نعه دیگر نفس بدی بدهی چشم و هریس دیدی از چشم تویارانت پسند که گفت سیرت می‌بالاتا بعد حسابش را برسم با پانده دریا حرکت می‌کنند و پیاده زندان های با سبیل و ساواک اتانم - یو سیاه مأموری که مرا می‌بوت کردم و گفت زدن های سزاوارک به یادم می‌آید گفت به من مربوط نیست و فقط دستور را اجرا می‌کنم.

رفتم اطای بالایی و این مأمور سالی را که بعنوان یازده اشتباه بود نشان داد و گفتند بنشین و بعد اسم و شپرت را باده داشتند کرد - گفت می‌توانم خواهشی ازتان بکنم؟ گفت بله - گفت اگر امکان دارد این پول را بگیرم و بزنم یک سیگار بخردم - گفت من دارم بیاورد بکنیدم کینه خیز صبری می‌آید - گفت من از سیگار کینه گیری نمیکنم گفت تعارف نکن بکن ما می نداره - گفت به شرطی قبول می‌کنم که اگر سیگار را از او بردند او سیگار فروشیان را پس بگیرد - گفت پاشه و سیگاری داد - در این حین بود که دیدم دستم را هم اوسد بالا و گفت اون که کند رو در دیدم و پرسیدم آره بالا و گفت یازده اش - پرسیدم گفت آره چرا؟ گفت بیا اشکالی نداره و اینهم نصبت و پانده مرا به پای او نیم بستند بعدم چاشی آوردند و گفتند اگر ناهار می‌خوریدیم بیاییم - گفت نه منل ندارم -

بعد رفتیم به دستکولی که در ریس راه از پنجره دیدم تا شن عمومی جلوی بروی کینه ایستاد و سرتیشی هم ندارد - حدسی زدم اونم گرفته اند - بعد از نیم ساعت دویدم یکی اوسد بالا و گفت اون که کند رو در دیدم است؟ گفت آره - گفت باین پانین - پسا - اطای را باز کردند و ما را بردند پانینس وارد اطای که شدم دیدم نمود ما را این کسه - هانی و چند نفر دیگر نشسته است - واره که شدم به عموم سلام کردم - عموم پرسید چه خبر است؟ گفت هیچی اوند بودم شکایت گسه این آقا گرفتند و خودم کتک زد -

کرم خانی گفت نمون یک ضمانت نامه سه ای میده که دیگر بعد از این از بطور کارهسا نکرده - گفت به صورتی برای من مگر حسن جریس بودم که آره که شما مرا ضمانت آزاد می‌کنید - اگر جریس دارم ثابت کنید اگر ندارم پس برای من ضمانت نامه - من قبول نمی‌کنم - کرم خانی گفت آندو تو حرف‌های می‌ریختی زدی - گفت چه حرف‌های می‌ریختی اوندم گفت شما با طرفدار خمینی هستید یا مفهده می -

کرم خانی گفت می‌دانم ما همه دشمن اسلامیم من خودم تریبه شد که کونیستسی هستم - از جنگی تا چهلک بودم لفظ بودم همه کاری کرده ام - بوی ۱۱ ساعت مطالعه می‌کنم به نقلی هم نفس می‌آدم و کونیست بودم - بعد ناگهان به اسلام روی آوردم - این کارها درست نیست -

گفتم اگر کارهایش را بکنید من بازهم ادرام می‌دهم چون ناچارم - فرش دارم و باید فروشتم - چه شما بکنید چه نه - و اگر نوشته چیزی در لختی است ماریو شان تا من ببینم و خلاصه بعد از نیم ساعت گفت این ضمانت نامه را هم نمی‌خواهم بخرید و خیلی عسکدر می‌خواهم و اگر دلمان خواست مرا بزنید - که گفت من که آدم بین نیستم نگاه کنید خودتان من از زدن کسی نفرت دارم و روی همد بگر را بوسه بدم و اوند هم بوس - اینهم از کینه حفاظت انقلاب ستاورد - هایش - حال کدام دستاوردی و چه حضور حفاظت - خنده داره -

روز جمعه ۱۵ و ۱۶ روز بعد از جبهه بود که داشتیم کتاب می‌فروختیم و چند تا عکس از زبیران جبهه نشان شده بود - از هم داشتیم که دیدم یک نفر آتاشی اوند و گفت آقا اینها را چرا می‌فروختید - گفت چطور مگه - گفتند اینجا نوشته است علیه اسلام این در زدی است و فرقه پرسیدم این اسلحه منظر سرتی خودم که باهاش بخت کردیم گفت آقا اگر شکایتی دارید می‌تواند اسلام شکایت کن گفت من اینجا باش تا مامور - گفت همینجا هم هستم هرکاری می‌کنی کن - رفت و بعد از نیم ساعت با یک پاساسی برگشت -

پاسان رو به من کرد و گفت آقا کتاب شما را جمع کنید یا من بیاورم - گفت کجا - گفت به شپرتی است - گفت برای چی - گفت این کتابها هادرفن است و شما هم کتاب‌های مفهده می‌فروشید - گفت به چه دلیل اینجا مفهده است - گفت کونیستی است - گفت خوب باشد چه کسی گفته کونیستی فدای است و وطن چه قانونی - گفت قانونی نیستی که که این کتابها خودم قانون خودم می‌کنم - گفت این نظری است پاسان گفت به فرحال بیاورید بیسیستم در شپرتیانی حرفهایمان را بزنید - گفت من نمی‌توانم که این آقا گفتند تا عادت دادند که همانا که این آقا گفت پس بزنند - آند دیدم و گفتن را پس چه فرقی کرده - زمان بپلوی هم پاسان آمد و بدین قانون بیزد حالا هم بزنه - پس چه فرقی کرده -

چند نفر جمع شدند که آقا این درست نیستند آره - آزادی‌ها را با پانال می‌کنند و این آقا شروع کرد به نفس دادن من - به فروش حمله کردم و گفت من می‌خواهی پس بزن - می‌خواهی خودی می‌کنی بکن - ولی حق نداری نفس می‌دهی همین بیزد آند که من به خاک می‌خالم - که پاسان جلوم را گرفت - بعه در پشت صند

به هم چهار نفر با میان دگر و یک مأمور کتبه رسیدند و گفتند آقا چرا بخت میکنید کتبه کنید بیورم - گفتند آقا کما و برای چی؟ گفت بیورم بیورم در کتبه بنشینیم و صحبت کنیم خوب بماند بماند گفتن این آگاهی که میگفت از کتبه آمده نخست هم داد این کتابش در بماند است؟ گفتند آقا از ما کما نیست مگر بماند گفت خوب از کما مگن که حسالا شما چرا بیورم و کتبه بزنید و بماند از هم بماند زمان بعد هم کتبه در جواب بگوید آقا این زمان بیورم و اشتباه شده است - آقا این حرف را شنیدیم الان نزدیک - ولی اگر بیورم بماند ما بیورم اشکالی ندارد می توانیم آقا بدلیل فروتنی این کتاب بعد از شش ماه حبس یا بعد ضربه شلاق محکوم کرده - مأمور کتبه رفت که حکم بیورم - برگشت ولی کتبه نیارود - کتبه بی چی شد؟ گفت همجنسوری بیاید - کتبه همجنسوری من بسته هیچ وجه نمیامد مگ من چون از خیابان بیاید اگر هم همجنسوری بپوشانم به شاهما -

حمله به فروشندگان کارگر...

فروندگان دستگیر شده کارگر در اصطفاان و تبریز گفته شده که این نشریه "فیر لائوس" است و فروش آن "منوع" می باشد - اکنون در باره ای از شهرها - انفرادی که خود را مأموران کتبه معرفی می کنند - علنا دست به شناسایی محل سکونت فروشندگان کارگر زده و مدافعا رفتند آنها را تحسین نظر قرار داده اند - و بجز اقدام آنان به فروش این نشریه - دست به حمله و دستبورد نمودند ان می روند - با وجود اعتراضات مکرر فروشندگان و همجنسوری این وقایع تاکنون هیچ قسمی از طرف مقامات دولتی و مطوابع کتبه ها برای پاپان دادن به این تحولات برده نشده است - در مقابل چنین تحلیلات و ابعافانسی - هواداران نشریه کارگر و بخش های حزب کارگران سوسیالیست - طی اعلامیه های متعدد در شهرهای مختلف - برای بیان دادن به این حملات دست اتحاد و استعداد بسوی تمام آزاد بخوانان و مایوان های سیاسی دراز کرده اند - آنچه در زیر میخوانید نمونه ای از حملات اخیر به فروشندگان کارگر در اصطفاان - اهواز و تبریز است -

اصطفاان

در حدود ساعت چهار بعد از ظهر روز دوشنبه دهم اردیبهشت در حالیکه دو تن از اعضای حزب کارگران سوسیالیست مشغول فروش نشریه کارگر در دروازه دولت بودند موره خوب و شتم چند تن افراد ناشناس قرار میگرفتند یکی از این افراد با که آغوش نوک نیز طرف آنها برده شده و یکی از فروشندگان کارگر را به شدت ضربه می کتد - مأمورین انتظامی هم که در محل حضور داشتند - علی رغم تمام اعتراضات همسای فروشندگان کارگر نتوانا هیچگونه حمسی برای جلوگیری از ضرب و شتم آنها نمیکنند بلکه به توبیخ و تشویق این اوباش می پردازند و بعد هم بجای دستگیر کردن ضاربینس - فروشندگان کارگر را دستگیر کرده و یکی از آنها را به کتبه واقع در خیابان فتحیه برده و دیگری را به کتبه واقع در خیابان کمال - اسماعیل می برند - در نطفه دگر شهر در همین ساعت یکی دیگر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست که مشغول بخش نشریه کارگر در چهار باغ - تقابل با ناله داری بود بپوشه فردی کتبه

حکم بیارید بچه اگر هم خواستید بزیستید اشکالی نداره - گفت آچه این جکی حسا و کتاب ها همه تحریک کننده است - گفت آقا قبل تحریک کننده تر است یا عکس؟ گفت خوب معلومه عکس - گفت خوب تلویزیون که کالا مال شماست عکس مادر را نشان داد و این عکس صحنه ای از این فیلم است - اگر این عکسها در جویان کتبه خوب از کما مگن که حسالا پس چرا نمایش دادند - ولی اگر این آزاد است نشان بدهند پس اینهم آزاد تر است که بفرستند - گفت خوب این کتاب ها؟ گفت خوب تو کتبه بکنی سواد داری بفرخواستش اشکالی ندارد من عکس از هم نمیگیرم اگر توظفه ای در کار باشد خوب میاید و مرا دستگیر کنید - اگر نیست پس آزادم - گفت نه اینها فکر است و من نمیخواهمش - خنده بهم و گفت تو که میگفت من همه اینها را خوانده ام و هوشتان توظفه است پس چطور تو چیزهای فکر را خواندی؟ آخرین گفت آقا خواهش می کنم اینها را نفروش کتاب زیاد هست بیورم اسلامی بیارید که هم

گارت انتظامات شهری داشته به کتبه واقع در خیابان کمال اسماعیل برده می شود - سه ساعت بعد در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر ششگنیکه تعدادی دیگر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست مشغول فروش نشریه کارگر در چهار باغ بودند موره حطسسه دسته ای از اوباش قرار می گیرند - ابتدا ۵ نفر که از اوباشین بی نام "و" زود رنگ و بدون نمه بیرون آمدند به توبه بد آنها پرداخته و باغ فروش نشریه می شوند - در مقابل حطسسه دست اوباش طرفنده ای از حجابیان مایوان چرکهای بی فدا می خلق که مشغول نفروشی نشریات این مایوان بودند حمله بر می شوند و مداری از نشریات و پوستهای آنها را با خود می برند - بعد از نیم ساعت این دسته به همساره ۴ تن دیگر در حالی که یکی از آنها چاقوی در دست داشت طرف فروشندگان نشریه کارگر بورش می آورند - اگر دخالت رهگذران نبود پس یکی از فروشندگان نشریه کارگر به سختی ضربه می خورد - روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در سه نقطه شهر گروهی همساره مأمورین کتبه بسوی فروشندگان کارگر حمله ور شده - پس از ضرب و کتدن آنها - فروشندگان کارگر دستگیر و به کتبه واقع در خیابان کمال اسماعیل و خیابان فتحیه برده می شوند - خانم بیورن نجفی - از اصفاا حطسسه تحریبه نشریه کارگر - و دو نفر از اصفاا حزب کارگران سوسیالیست در اصطفاان - وهاب فریزان و ارد شیر فرزان - از جمله دستگیر شدگان اخیر بودند - روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۸ نفری از فروشندگان کارگر پس از ضربه شدن به دست گروهی جنای و چاقو دست در کتبه خود گرفتند تقابش ظاهر قرار می گیرند - دو تن از فروشندگان زن نشریه در همین روز در مقابل دویسمان بهشت آیین کتبه حمله ای ناشناس و یکی از مأمورین کتبه حطسسه شد بد ضربه می شوند و از طرف مسئولین کتبه به آنها گفته می شود - "تا شما باقیستد دیگر از این نشریات نفروشید - بعد از آن نشریات و جرح های شوری از بس قبیل طی نطق های توبه بد آمیزی به جامان اعضای حزب کارگران سوسیالیست - انسان توبه بد به مرگ شده - و بطور دائم توسط ده جنای بد دست تعقیب می شوند -

اهواز

بدانال حطه به ستاد فدائیان راهبان

نطق بیشتری دارد و هم همه قبولش دارند - گفت خوب این کتاب ها را هم دارند نفروشند و چون این کتاب ها نیست من آورده ام ولی اگر بود که من نمی آورم من - وحنا خواهش می کند که خواهش هم نکند که قبول نمی کند - و این مأموران و کتبه ای ها چون دیدند نطق جمع شده اند و همه دایره از حق من در بد نطق حقیقت طرفداری از آزادی خودشان است - اطلاع می کنند و اعتراض می کنند بوانگسی باصلاح میروند - مأمور کتبه گفت برو خواهش می کند که گفت من تا کتابهایم تمام نشده از اینجا نمیروم اگر من میام تا تمام بشوند - تا اینکه تمام کتاب ها فروشی رفت و بعد من جدا حاضری کردم و رفتیم که در راه یکی از بچه ها پیش آمد و گفت خیلی عالی بود پسندیدم - گفت عزیز من این خواست آزادیم را سلب کند بخاطر همین جم نخوردم والا صحبت از لاج بازی نبود و این یقینا فراساسی است که نمیخواهد آزادی پیش پایمال شود -

و دستگیری ۲۱ نفر از هواداران این مایوان حطه به آزادی بیان و علیه و در این شهر - در اهواز و سایر شهرهای این منطقه افزایش بسیار ای پیدا کرده است - در اهواز ضرب و شتم و دستگیری مکرر فروشندگان نشریه کارگر ادامه دارد - تلفن های توبه بد به قتل و توبه بد به آتش زدن محل های سکونت فروشندگان نشریه کارگر و اعضای حزب کارگران سوسیالیست همچنان ادامه می یابد - اعتراضات مکرر به این حملات توبه بد است - تنها باعث می شود که فروشندگان کارگر دستگیر شده و به کتبه های امام برده شوند و در آنجا نیز توبه بد و ارباب قرار گیرند - نحوه ای از این حملات و اعتراضات کتبه امام اهواز را یکسری از فروشندگان نشریه کارگر به این شرح برای ما فرستاده است - بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۱ / ۲ / ۵۸ - ساعت ۵ / ۲۵ دقیقه در محل انبیاان چهار - شهرک منور سوار بسه همساره ۳۲۵۵ نهران - ۲۵ از من که در حال فروش هفته نامه کارگر بودم بر رسید که مرکز این حزب در اهواز کجاست - جواب دادم این حزب بسه هفت کیلومتر بوجه مرکزی در اهواز نسه اریه - منور سوار رفت و بعد از چند دقیقه با کتبه هاخین توبه بد وانت قیر رنگه که بر از انسوات تحریک شده بود آمد و به من حمله کتبه و شعارهای از قبیل "گنویست است بکوشش" می داد و بعد از حمله تعداد ۸۰ عدد هفته نامه کارگر روز روز اول ماه به را باز کرده شد - در همین هنگام یکی از مأموران آزاد بخواد کتبه سر رسید و مرا از دست اوباشان نجات داد و به کتبه چهار شهر برده - در آنجا یکی از افراد کتبه گفت - این هفته نامه کارگر است سرتیغی حطسسه نفروشید - جواب دادم کارگران نهران به این هفته نامه اجازه چاپ می دهند پس آزاد است ولی چرا شما مانع از نفروشی می شوید؟ مگر ما چند روز هزار نفروشید - نه اما هم که آزادی بد است مایورین - منظور از قیام و انقلاب ما فقط برانداختن شاه نبود - ما برای آزادی انقلاب کرده ایم - ما بسزای آزادی حقین داده ایم - مأمور کتبه جواب داد - "والله اینطور من ممانعی ندارم و آزاد هستید که بفروشید ولی کمینتریزها میگوید که جلوی فروش هفته نامه کارگر را بگیرند - نمی دانم باید در نهران آزاد است ولی در اهواز آزاد نیست -

تبریز

روز چهارشنبه ۱۲ / ۲ / ۵۸ - اشرف

در اهواز مشغول کتابفروشی در کسار خیابان ۲۶ منی بودم که چند نفر آمدند و گفتند که آقا کتاب هاتو جمع کن بیورم - گفتیم کما - گفت کتبه - گفت منک کتبه کاری نداری برای بی بیام - گفتند آقا ماهات کار داره که گفتن آقا باهام کار داره این بیاید اینجا من نیام - و شروع کردند به مصاصی شدن و داد و فریاد - که گفتند آقا برای بی کتابها بیورم چه شان است - گفتند این کتاب ها کوششی است و توشان نصبت به دین و امام و بیخمسیر زده اند - گفتند شرافت داری اگر داری بخوان اگر توشان پاک کنه از انبیاش که عیسی باشه من همه شان را به پاش چشمت آتش میزنم - اگر نیاشه آبیورنه رفته است - در جوابم گفت خوب اگر یکی از بیخوام عقیده را تغییر می دهد اگر از بیخه های دانشجو که اینجا بیاید به بود گفت که این چه ایمانی است که با خودن پاک کتاب ازین میورند - و بخت نام سسسه ساعت و نیم طول کشید که آخرش گفتم چون گرسنه ام هست بیورم تا ناهار بخورم بعدا بیام - من شکست نخوردم بعد از ظهر بسیر می کردم و شعا هم هرکاری بلند می کشید -

منصوبی وند عضو حزب کارگران سوسیالیست در تبریز - موره حطه گروه اوباش تحریک شده ای قرار گرفت - او در این روز برای تهیه گزارشات درباره شخص دلیلمه های بگزار تبریز و ارسال آن به نشریه کارگر به مقابل استانداری تبریز در میدان تمام رفته بود - در این حال دهی های علیه تبریز ایت الله خطیری نظام حطسرات می کردند - از این محل به می شدند - اخرف منصوبی بودند که بعنوان فوشنده نشریه کارگر و عضو حزب کارگران سوسیالیست در تبریز شناخته شده است - از طرف گروهی از نظاهرکنندگان توبه بد قرار گرفت - این عده با نشان دادن اشرف بعینا "گنویست" از تقلاهمسار کتبه ها خواستند تا او را "دستگیر کنند" در این حین حدود ۱۰۰ نفر بر سر اشرف ریخته و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند - توبه بد که در او تجاوز کرده و او را خواهند شتم - چندین نفر او را از هر طرف می کشیدند و توبه بد می کردند که اگر نگویند "والله الا الله" تمام لباس های او را بسزارد خواهند کزد - پس از این اشرف را به مسجد شرفخانه اری می برند و در آنجا او بسزارد بازخواست قرار گرفت - پس از نسیامت بازخواست و در مقابل اعتراض اشرف که به چه جویی دستگیر شده - او را به کتبه شماره ۹ تبریز می برند - اشرف در آنجا توبه می شود که برای دستگیری و آزار او از قبل توظفه ای برپا شده است - "بازیرس" مسجد شرفخانه اری - در گزارش سرایا درویش که همراه اشرف به کتبه شماره ۹ فرستاده بود - ادعا کرده بود که در "حین فرستادن" دستگیر شده است - در کتبه شماره ۹ از اشرف مکتوبا حطوای می شد که آنها هنگام دستگیری اشرف در موقع حمله اوباش شقوق شده بود اسلحه ای حیصلی نمیگردد است - بواساس این گزارشات و بازخواست های سرایا درویش - اشرف را به "دادگاه انقلاب اسلامی" برده و در اینجا او را به اتهام شرکت در "شورادزی" مورد بازخواست و بسزارد قرار داده اند - اکنون نیز اشرف منصوبی وند را مطابق پیرونده حطلی و با قرار ضمانت آزاد کرده اند و به او گفته اند که هر موقع برای "بازخواستی" مجدد احضار شود باید خود را فوراً بمرفس نماید -

کتبی و دانش آموزان دبیرستان خوارزمی شماره ۶، در یک جلسه مناظره مابین آذر نظیری (از اعضای هیئت تحریریه نشریه کارگری) آقای حیرانی یکی از دبیران همین دبیرستان صورت گرفت. در این مناظره که به مدت چهار ساعت و نیم طول انجامید، بیارمون مسائل گوناگون از قبیل مسئله ملیت های مستعبد شده ایران، زبان و کنترول کارگری بحث و مناظره صورت گرفت.

● در روز ۳ اردیبهشت پیش از ۲۰۰ نفر در مدرسه عالی دماوند اجتماع کردند تا به سخنان بایک زهرانی در مورد « انقلاب ایران و مجلس مؤسسان » گوش فرا دهند - در پایان صحبت بایک زهرانی - پشتیبانی نروایی در مورد اسلام و سوسیالیسم صورت گرفت.

● جلسه دیگری نیز در روز ۳ اردیبهشت بصورت مناظره مابین آذر نظیری و منوچهر شهبازی به حمایت از نظامی ها شد. در هر دو روز ۲۰۰ نفر از اهالی این محل که یک محله کارگری است، در این جلسه شرکت کردند - موضوع مناظره، تحلیلی از شرایط کنونی و

وظایف انقلابیون در قبال آن بود که سه دیدگاه سوسیالیستی و دیدگاه اسلامی برسی شد - این جلسه بیش از ۳۰۰ حاضر به حضور انجامید و با استقبال روبه رو شد، بطوریکه در انتها قرار بر این شد که جلسات مشابه دیگری نیز بر آید برگزار کرد.

● به دعوت « گروهی از جوانان فارسان » در روز ۳ اردیبهشت جلسه ای در مسعود « سائیل روز ایران » در بندر انزلی با حضور پهلوی سابق و با شرکت بایک زهرانی برگزار گردید - بیش از ۶۰۰ نفر در این جلسه شرکت کردند که در آن تعداد کمی از کارگران، عیادان و زنان شرکت داشته - در ابتدای جلسه نماینده « کابین اسلش ارشاد » در سخنان گوناگونی اظهار نمود که این گروه طرفدار آزادی قلمرو و دموکراسی برای کلیه گروه ها است. وی همچنین اعلام کرد که ایجاد هرگونه انقباض و اختلال در جلسات و از جمله جلسه حاضر و تحت نظارت اسلام از نظر آنان محکوم است.

پس از آن نماینده عیادان انزلی صحبت کرد و مبارزات عیادان علیه رژیم شاه و اجتماعتی را که نسبت به آنان روا می شد، مذکور

● در روز ۱۰ اردیبهشت، پیش از ۵۰۰ نفر در دبیرستان انوشیروان دادگر اجتماع کردند تا به سخنان بایک زهرانی در مورد انقلاب ایران و مجلس مؤسسان گوش دهند - در این جلسه بایک زهرانی بیارمون مسائل مختلف و سائیلی که جامعه امروز ایران بدان روبرو است از قبیل بیکاری، تورم صحبت کردند و اشاره کرد که چگونه است. همه این مسائل را در روابط سرمایه داری در تولید میانه جستجو کرد - بطور مثال در مورد تسبیح او اشاره کرد که قیمت ها بخودی خود بیسلا نمی روند - بلکه عمده سرمایه دار برای اینکه سود بیشتر ببرد، قیمت ها را افزایش می دهند و مردم می توانند در یک روز تصمیم بگیرند که این پن دگر هیچ کسی بیسلا بودن قیمت ها را ندارد - ولی برای انگسار لازم است که سودجویی در تولید بکنند - رابطه ای که سرمایه داری بر آن استوار است از این بیرون -

در خانه نیز مشکلات و بحث های زیادی مطرح شد و در جواب به سخنان یکسری از حاضران در مورد اشتغال، بایک زهرانی اشاره کرد که حزب کارگران سوسیالیستی خواستار برقراری دموکراسی سوسیالیستی در این کشورها و پایان دادن به حاکمان موجود در این کشورها است.

● در روز ۱۰ اردیبهشت، پیش از ۵۰۰ نفر در دبیرستان انوشیروان دادگر اجتماع کردند تا به سخنان بایک زهرانی در مورد انقلاب ایران و مجلس مؤسسان گوش دهند - در این جلسه بایک زهرانی بیارمون مسائل مختلف و سائیلی که جامعه امروز ایران بدان روبرو است از قبیل بیکاری، تورم صحبت کردند و اشاره کرد که چگونه است. همه این مسائل را در روابط سرمایه داری در تولید میانه جستجو کرد - بطور مثال در مورد تسبیح او اشاره کرد که قیمت ها بخودی خود بیسلا نمی روند - بلکه عمده سرمایه دار برای اینکه سود بیشتر ببرد، قیمت ها را افزایش می دهند و مردم می توانند در یک روز تصمیم بگیرند که این پن دگر هیچ کسی بیسلا بودن قیمت ها را ندارد - ولی برای انگسار لازم است که سودجویی در تولید بکنند - رابطه ای که سرمایه داری بر آن استوار است از این بیرون -

در خانه نیز مشکلات و بحث های زیادی مطرح شد و در جواب به سخنان یکسری از حاضران در مورد اشتغال، بایک زهرانی اشاره کرد که حزب کارگران سوسیالیستی خواستار برقراری دموکراسی سوسیالیستی در این کشورها و پایان دادن به حاکمان موجود در این کشورها است.

سخنان نماینده عیادان

اول از شروع سخنرانی بایک زهرانی در جنگ ۶ هزار نفری انزلی - علی قهرمان نماینده عیادان سخنانی به این شرح ایراد کرد :

بنام خلق قهرمان ایران، حصار محترم، انطور که میدانید مسئله ای که در این شهر خیلی مهم و زیانرزه همسایه و خاص است، مسئله صید و صیادی است - صیادان در دهه های گذشته و در گذشته به ندلیه و با بگری می شکارند، تقریباً بقسمت زمینگشان این منطقه از طریق دریا و رودخانه های مربوطه زندگی خویش را تأمین می کنند - عیادان بیش از همه مردم این منطقه به مسئله صید و همچنین رشد و نمو ماهی اهمیت می دهند - خصوصاً در این شرایط خاص که میزبانان گوشت بقره کافی برای مردم این شهر وجود ندارد - در جلسه ای که در حدود ۱۵ روز پیش ما حضور آقای فرماندار در سخنان ارشاد داشتیم، مسئله یگای موفت عیادان مطرح شد و بعد از آن به نظر خود عیادان از جمله بند برای بحث بیارمون صیادی و راه - حل های مربوطه انتخاب شد و به یک سری نتیجه گیری رسیدیم ولی چون هدف ما عیادان فقط مربوط به انزلی و فارغان می شود، لذا با وجودیکه چندین روز صید را در رودخانه های همین حوالی تعطیل کردیم - مسئله در بقیه نقاط شمال صید می کردند - در نتیجه ما پیشنهاد کردیم که صید در سطح شمال

کرده خواست های فعلی عیادان را مطرح نمود - (سخنان نماینده عیادان در همین صفحه چاپ رسیده است)

پس از آن بایک زهرانی شروع به صحبت کرد - او در مورد مسائل مختلف و از جمله عیادان و کارگران به صحبت پرداخت - پیشنهاد او به زمینگشان شکل خوارخواست های خود و مبارزه برای حصول این خواست ها بود - زهرانی همچنین اشاره کرد که کنترل کارخانه ها بایستی به دست کارگران داده شود و نه کارفرما - کنترل صید و صیادی ها بود - زهرانی همچنین اشاره کرد که چهار نفر متخصص که در تهران نشسته اند - زیرا ایجاب بیش از هرکس دیگری می دانند که مسائل صید و خود راه حل آنرا می دانند - چه کسی بیشتر از عیادان به مسائل صید و ماهیگیری آشناسد ؟ چه کسی بیشتر از کارگران به مسائل کارخانه وارد است؟

در خانه سخنرانی سائیل مختلفی از جمله اینکه چرا سرمایه داری قادر به حل مسائل گوناگون جامعه نیست و راه حل پیشنهادی سوسیالیست های انقلابی، و چند موضوع دیگر مورد بحث قرار گرفت.

۲- بررسی کردن وضع کشاورزان که آنها با صید خود هم به کشاورزی و هم به صیادی لطمه می زنند -

۳- کنترل صید در دریا و رودخانه ها و حتی کنترل در فروش خارها به کفروهای دیگر -

۴- موجود آوردن تعاونی های واتمس عیادی در سطح کشور -

۵- جمع آوری ناوگان صیادی که میانه به صید می روه، کنگله که غذای اصلی ماهی است -

۶- صیادان و بقیه ماهیان می باسد می نمایند - البته دولت باید در مورد گامی که در این ناوگان کار می کند و نظارتی با ما زمینگشان در زمینه فکری اساسی نماید -

۷- بیمه بیداشت، سگن، بازتعمیر و بقیه امکانات رفاهی برای خود عیادان و خانواده هایشان -

۸- همکاری با اولین دولت بسا عیسود عیادان در پاکسازی رودخانه ها - درسا و خصوصاً پاکسازی رودخانه ها از مواد شیمیایی که باعث کارخانه های اطراف گیلان میزند و آن -

۹- پیشنهادی که عیادان در مورد شللات دارند اینستکه خود شللات نیز صید می روه می کند - شللات باید تزئین کنند -

ماهی ها باید و نه صید کنند - کسی از این شواهدی که شللات صید می روه می کند این است که در فصلی که ماهی خارها آزاد است تمام افتشانی با تخم های رسیده می باسد -

ایران بررسی کرد و تمام مناطق سند بگای خود را انتخاب نمایند و بحث و تبادل نظر مربوط به عیادان باشد ولی تأکید شد چنین همه و عیادان مجدداً به صید بپردازند -

در تبادل نظرهای که با آقای فرماندار در فرمانداری داشتیم ۹ سؤال بر صید و مسائل مربوط به مرداب و بیرون ماهی از ما شد و ما عیادان در طویارهایی جواب آنرا دادیم ولی تا این لحظه هیچگونه نتیجه گیری مثبتی نشده است -

حصار محترم، ما خود با این صید می روه مخالفیم و حتی همه ما عیادان راه حل های مثبتی که نتیجه حال ما تجربه ما عیادان بوده است دادیم ولی بنظر می رسد که کسی به آن توجه نکرد - خلاصه مطالب پیشنهادی به این صورت بود :

۱- ایجاد سند بگا که بتوانیم هر چند وقت یکبار جلسه و تبادل نظر داشته باشیم -

۲- لایحه مرداب انزلی با کمک گرفتن از خود عیادان در تمام تفصیل و در آن فاصله زمانی که پیشنهاد تعطیل صید را کرده بودیم -

۳- تخمین بودن عیادان و اتمس احزما (با کارت صیادی) آری ما هم می دانیم که هم اکنون که من اینجا دارم صحبت می کنم شاید ۶۰ تا ۷۰ درصد کسانی که دارند صید می کنند صیاد واقعی نیستند -

آنها صید می نماید و ما عیادان زمینگشان را تا جاتیستی به اجتناب معرفی کرده و می کند - آری مردمی که در اینجا جمع شده اند من از شما سؤال می کنم عیادان نیز بیسار نظم و ستم طلبند و رفت و آمد بی نظیر خود در این مدت این انقلاب را رنگین کرده بود تا غذای اصلی ای میز و میز را تأمین کند، چه نتیجه ای و دستاوردی از این انقلاب نصیب شد ؟ در همین انزلی شما شاهد کشته شدن عیادان و رنگین کردن رودخانه های گلی به خون بوده اید - در بند که این چنانی کیف و پوست چطور با ما رفتار می کردند و ما را به گروته می بستند و حتی مسائل صیادی را از کارخانه ماها می ربودند - در همین شللات به آن می کشیدند - ولی حالا زبان طلفوس گذاشته است - ما همه مردم ایران می خواهیم در سرکوش خود نقش اساسی داشته باشیم یعنی به دولت آقای پازوگان که خود را دولت مستعین می داند کمک و همکاری کنیم - ما می خواهیم کشته های صیادی را باقیمانده از صید می روه در سراسر شمال که وجدانها بیش از خود شما از پایدان ناراضیم جلوه گری کنیم -

در دولت نیز انتظار داریم که ما را در این امر حیاتی باری کند و هیئت را برای بررسی مسائل صیادی بفرستد تا با عیادان و زمینگشان دریا و رودخانه خود درباره زندگی خود تصمیم بگیریم و سرکوش ساز خویش و ایران باشیم -

پیشنهاد می داند تا تأثیر انقلاب امپریالیست در افغانستان کند گفته گرایش و انقلاب ایران و افغانستان در تأثیر گذارند از تقویت بکد بکد کاهش باید -

لکن بولم همه حولات، انقلاب افغانستان دین بولم از شکوایی خود - امید و انتظارات بیست میلیون کارگر و زمینگشانی افغانی را بالا برد است - و همانطور که آقای خود را دیده تحقیر آمل خود بیسج می کنند - تو دعای افغان بیسوی چشم انداز سرنگین ساختن کامل روابط سرمایه داری جلب شده و سوی داده می شوند -

قدرت های امپریالیستی و متحدین آنان در منطقه بیش از هر چیز این واقعیت می بینند و قصد سرکوب آنرا دارند -

...افغانستان

بیار است - نخستین قدم در بدنام کردن پلشویسم و حمله به دموکراسی کارگری - بدنام کردن و حمله به تیونسکی است - زیرا تیونسکی توانست با تشکیل بین الملل چهارم بنیت های پلشویکی و شی مسائل کارگری را حل نماید و اسلحه عملی و نظری لایحه جهت مبارزه با دشمنان طبقه کارگر و مارکسیسم را فراهم آورد - اما تحریف آموزان لینن در شرایط انقلابی امروز ایران برای استالیانیت ها کار آسانی نیست - حامد زبانی که مارکسیست های انقلابی دست به مبارزه زدند و پس از سالها قطع تدابیر پلشویسم - دسترس به حقایق عدالت طبقات جهت نسل انقلابی امسوسوز ساه شده است -

دفعه اوله جنگ بوده و کارگران را تشویق به شرکت در آن می کرده است - واقعیت این است که تیونسکی سائیلی در مخالفت با جنگ امپریالیستی مبارزه سیاسی کرده بود - وی در کارهای پلشویکی - یعنی کنفرانس که اقلیت ضد جنگ جنبش کارگری در سال ۱۹۱۵ انترنیم داده بودند شرکت داشت - میانه ایسین کنفرانس به قلم تیونسکی است - (لینن نیز به نمایندگی از پلشویکیا در این کنفرانس شرکت داشتند - میوه آثار تیونسکی طبقه این جنگ که دست به چاب رسیده پیش از ششمه صفحه است - علیرغم این همه - خسرو دعا می کند تیونسکی موافق جنگ بوده و نظیر این ادهامای در روئین در مخالفتش

...قش تیونسکی

دفعه اوله جنگ بوده و کارگران را تشویق به شرکت در آن می کرده است - واقعیت این است که تیونسکی سائیلی در مخالفت با جنگ امپریالیستی مبارزه سیاسی کرده بود - وی در کارهای پلشویکی - یعنی کنفرانس که اقلیت ضد جنگ جنبش کارگری در سال ۱۹۱۵ انترنیم داده بودند شرکت داشت - میانه ایسین کنفرانس به قلم تیونسکی است - (لینن نیز به نمایندگی از پلشویکیا در این کنفرانس شرکت داشتند - میوه آثار تیونسکی طبقه این جنگ که دست به چاب رسیده پیش از ششمه صفحه است - علیرغم این همه - خسرو دعا می کند تیونسکی موافق جنگ بوده و نظیر این ادهامای در روئین در مخالفتش

